



# عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی  
۶ اسفند ۱۴۰۳ • ۲۵ شعبان ۱۴۴۶ • 24 Février 2025  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و سی و پنج  
www.asrghanoon.ir

# عزت نصرالله

رهبر انقلاب: سید حسن نصرالله اکنون در  
اوج عزت است

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت برگزاری مراسم تشییع و تدفین مجاهد کبیر شهید سید حسن نصرالله و همچنین سید هاشم صفی‌الدین با تجلیل از این دو شهید بزرگ مقاومت، تاکید کردند: دشمن بداند که مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار، تمام‌شدنی نیست و تا رسیدن به سرمنزل مقصود ادامه خواهد یافت. در بخشی دیگر از پیام آمده است: مجاهد کبیر و زعیم پیشتاز مقاومت در منطقه، حضرت سید حسن نصرالله (اعلی الله مقامه)، اکنون در اوج عزت است. بدن پاک او در سرزمین جهاد فی سبیل الله به خاک سپرده می‌شود، ولی روح و راه او هر روز سرفرازتر از پیش جلوه خواهد کرد ان شاء الله، و راه را به رهروان نشان خواهد داد.

## شجاعت و عقلانیت: روبه میهن، پشت به دشمن



حل مشکلات داخلی و پرداختن به مسائل اجتماعی، از جمله شکاف‌های طبقاتی، بی‌اعتمادی عمومی و نارضایتی‌های اجتماعی، نسبت به سایر امور اولویت و ضرورت بیشتری دارد.

۲

## مقاومت زنده و جاودانه خواهد ماند



شهید سید حسن نصرالله، تجلی‌بخش حماسه‌ی حسینی بود. او با الهام از قیام امام حسین (ع)، به جهانیان ثابت کرد که مقاومت در برابر اشغالگران و مستکبران نه تنها ممکن است، بلکه پیروزی‌بخش نیز هست.

۲

## ظهورات تاریخی در آن سوی مرزهای ملی



ما از هر ملیتی که باشیم، امت رسول‌الله هستیم و رسول‌الله، همه هویت و تاریخ و معنا و منزلت ماست. این یعنی برخلاف تاریخ‌ها و هویت‌های این‌جهانی که بر توافقات و معادلات مادی و سیاسی تکیه دارند.

۴

## مسئولیت حکومت، فراتر از ایجاد امنیت است



کشوری مانند عربستان در زمینه بازگشایی سفارت خود در سوریه و ارتباط با حاکمیت تحریر الشام، محتاط‌تر عمل می‌کند و روابط دیپلماتیک را منوط به وقوع برخی شرایط قرار داده است که ممکن است در آینده اتفاق بیافتد.

۴

## از وعده‌های شهید تاج‌انیشینی سید هاشم صفی‌الدین



سید همیشه نگران ستون پنجم دشمن و این که اوضاع از کنترل خارج شود بود و او یک دغدغه بزرگ به نام صلح داخلی داشت، زیرا او مانند شهید حریری متقاعد شده بود که هیچ‌کس نمی‌تواند بر لبنان مسلط شود.

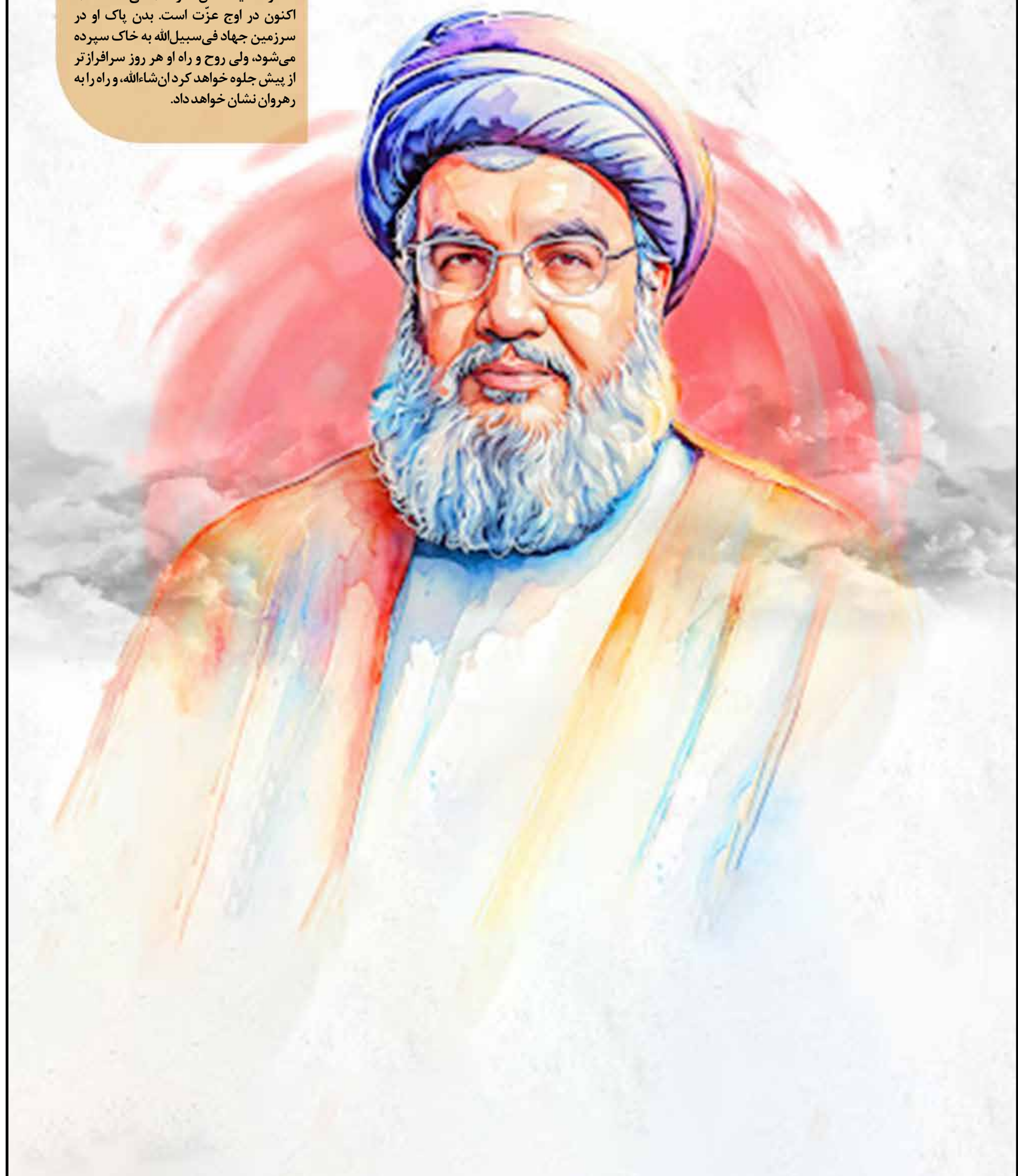
۴

## خصوصی‌سازی صنعت خودرانیازمند شفافیت است



زمانی که ساختار اقتصادی و تصمیم‌گیری بر مبنای رانت و نفوذ باشد، فساد و روابط ناسالم به صورت سیستماتیک بازتولید می‌شوند. در بسیاری از کشورها، وجود رانت در برخی بخش‌ها باعث بروز فساد شده.

۵





## حضرت سید حسن نصرالله اکنون در اوج عزت است

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت برگزاری مراسم تشییع و تدفین مجاهد کبیر شهید سید حسن نصرالله و همچنین سید هاشم صفی‌الدین با تجلیل از این دو شهید بزرگ مقاومت، تاکید کردند: دشمن بداند که مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار، تمام‌شدنی نیست و تا رسیدن به سرمنزل مقصود ادامه خواهد یافت.

متن این پیام که دیروز در این مراسم توسط حجت‌الاسلام‌المسلمین سیدمجتبی حسینی نماینده معظم‌له در عراق و عضو هیأت نمایندگان رهبری اعزامی به لبنان قرائت شد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله عزّ و جل: وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لِكُلِّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

مجاهد کبیر و زعیّم پیشتاز مقاومت در منطقه، حضرت سید حسن نصرالله (اعلی الله مقامه)، اکنون در اوج عزت است. بدن پاک او در سرزمین جهاد فی سبیل الله به خاک سپرده میشود، ولی روح و راه او هر روز سرفرازتر از پیش جلوه خواهد کرد ان شاء الله، و راه را به رهروان نشان خواهد داد.

دشمن بداند که مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار، تمام‌شدنی نیست و تا رسیدن به سرمنزل مقصود ادامه خواهد یافت باذن الله.

نام نیک و چهره‌ی نورانی جناب سید هاشم صفی‌الدین (رضوان الله علیه) نیز ستاره‌ی درخشان تاریخ این منطقه است. او یاور نزدیک و جزء جدانشدنی رهبری مقاومت در لبنان بود.

سلام خدا و بندگان صالحش بر این دو مجاهد سرفراز و بر دیگر مبارزان شجاع و فداکار که در برهه‌ی اخیر به شهادت رسیدند، و بر همه‌ی شهدای اسلام، و سلام ویژه‌ی من به شما فرزندان عزیزم، جوانان سلحشور لبنان.

سیدعلی خامنه‌ای  
۱۴۰۳/۱۲/۳

## شجاعت و عقلانیت: روبه میهن، پشت به دشمن

محسن رداوی



رهبر انقلاب روز ۱۹ بهمن در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی، با یادآوری حماسه افسران نیروی هوایی در سال ۵۷، ۴ ویژگی مهم آنها را برشمردند. سپس به موضوع دیپلماسی و مذاکره با آمریکا اشاره کردند. اگر بخواهیم بین این ۲ بخش از سخنان رهبر انقلاب ارتباط برقرار کنیم، می‌توان دولتمردان کشور را به سربازان وطن تشبیه کرد. در صورتی که آنها شجاعت، بهنگام عمل کردن، محاسبه‌گری عاقلانه و استفاده از غفلت دشمن را سرلوحه اقدام خود قرار دهند، می‌توانند به همان اندازه موثر واقع شوند.

تصمیم‌سازان دولتی باید شجاعت کافی داشته باشند که از باورهای عوامانه فاصله و منافع ملی را در نظر بگیرند. این باور غیرعلمی و عوامانه که مذاکره می‌تواند گره‌گشای مشکلات مالی کشور باشد، با عقل و استدلال‌های کارشناسی سازگار نیست. به علاوه تجربه ایران و دنیا در مذاکره با آمریکا، هرگز به یک نتیجه برد - برد منجر نشده است.

### تجربه مذاکره

تجربه مذاکرات پیشین ایران و آمریکا، از بیانه‌های الجزایر تا برجام، نشان می‌دهد این مسیر، همواره با چالش‌ها و موانع جدی روبه‌رو بوده و نتایج مطلوب و پایداری را برای ایران به همراه نداشته است. در طول این سال‌ها، ایران همواره با حسن‌نیت و به منظور حل مسائل و کاهش تنش‌ها، پای میز مذاکره حاضر شده است اما طرف مقابل، اغلب با زیاده‌خواهی، عدم پایبندی به تعهدات و استفاده از تاکتیک‌های غیراخلاقی، سعی در تحمیل خواسته‌های خود داشته است. به عنوان مثال، در جریان مذاکرات برجام، ایران با اجرای کامل تعهدات خود، نشان داد به دنبال توافقی عادلانه و پایدار است اما آمریکا، با خروج یکجانبه از برجام و اعمال تحریم‌های ظالمانه، نشان داد به اصول اخلاقی و توافقات بین‌المللی پایبند نیست.

طرفداران مذاکره این نکته بدیهی را نادیده می‌گیرند که انجام مذاکره و رسیدن به توافق، لزوماً به معنای حل مشکلات و بهبود اوضاع نیست. تجربه نشان داده است حتی در صورت انجام مذاکره و امضای توافق، تضمینی برای اجرای آن و تحقق اهداف مورد نظر وجود ندارد. به عنوان مثال، در دوره ریاست جمهوری ترامپ، مذاکرات متعددی با کشورهایی مانند چین، کره شمالی، اعراب و افغانستان انجام شد اما هیچ کدام از این مذاکرات، منجر به بهبود پایدار وضعیت در این کشورها نشد. کدام یک از این کشورها، از نتایج مذاکره با ترامپ راضی بودند؟ این تجربه جهانی نشان می‌دهد مذاکره راه‌حل نیست. انتظار اینکه با مذاکره یا حتی توافق، مشکلات مهم کشور حل شود ساده‌لوحانه است.

### عقلانیت و مذاکره

باید به این نکته اساسی توجه داشته باشیم که مذاکره، ذاتاً یک عمل عقلانی و معطوف به هدف است. مذاکره زمانی می‌تواند مفید باشد که حداقل نتایج قابل‌تصور برای آن پیش‌بینی شود و بتواند به تحقق اهداف مورد نظر کمک کند. تعصب بی‌جا و ایدئولوژیک به انجام مذاکره، بدون در نظر گرفتن شرایط و نتایج احتمالی، می‌تواند به جای تأمین منافع ملی، به ضرر کشور تمام شود. بنابراین لازم است در هر گونه تصمیم‌گیری درباره مذاکره، با عقلانیت، هوشمندی و دوراندیشی عمل کنیم و از هر گونه تعصب و احساسات بی‌جا پرهیز کنیم. بحث‌های داغ بر سر مذاکره که در رسانه‌ها و در فضای مجازی جاری

است، بیشتر بر هیجان و کل‌کل‌های انتخاباتی تکیه دارد نه بر منطق و عقلانیت. مهم است دولت تسلیم این هیجان‌ها نشود و عقلانی تصمیم بگیرد.

### نظرات کارشناسان درباره مذاکره

در تحلیل چالش‌های ایران، مسعود نیلی، اقتصاددان و دستیار و مشاور رئیس‌جمهور روحانی، به ۳ ضلعی ناترازی‌های مالی و زیست‌محیطی، وضعیت خطیر روابط خارجی و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌کند و معتقد است برای حل این ابرچالش‌ها، باید از ضلع اجتماعی آغاز کرد. به گفته نیلی، اگر بخواهیم با حفظ شرایط ناترازی‌ها و شکاف‌های اجتماعی، سراغ حل مساله تحریم برویم، طبیعتاً نظام حکمرانی ناچار به دادن امتیازات زیادی به طرف مقابل خواهد شد، چرا که در شرایط ضعف سراغ مذاکرات رفته‌ایم.

این تحلیل دقیق و کارشناسانه، نشان می‌دهد حل مشکلات داخلی و پرداختن به مسائل اجتماعی، از جمله شکاف‌های طبقاتی، بی‌اعتمادی عمومی و نارضایتی‌های اجتماعی، نسبت به سایر امور اولویت و ضرورت بیشتری دارد. او تاکید می‌کند در شرایط فعلی، مذاکره مشکل کشور را حل نخواهد کرد. این نظر مهم‌ترین کارشناس اقتصادی نزدیک به دولت است. سوال این است که چرا نسبت به این نظرات کارشناسی بی‌توجهی می‌شود؟

### ریشه‌های توجه بیش از حد به مذاکره

با توجه به نکاتی که بیان شد مشخص می‌شود تجربه، عقلانیت، علم و کارشناسی، مذاکره در شرایط فعلی رانه‌تنها مفید نمی‌داند، بلکه آن را زمینه‌ساز برخی مشکلات جدید تلقی می‌کند. اما چرا برخی افراد اینچنین تجربه و علم را نادیده می‌گیرند و بر سوق دادن دولت به مسیر بی‌حاصل مذاکره اصرار می‌ورزند؟ این میراثی است که از دولت یازدهم مانده است. دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و ایجاد توازن بین نگاه به بیرون و داخل، به موفقیت رسیده‌اند. تنها استثنا دولت یازدهم و دوازدهم بود و موفقیت رسیده‌اند. شاهد رویکردی بودیم که تلاش شد تمام ابرچالش‌های کشور، از طریق مذاکره و سیاست خارجی حل شود. علت این بود که آن دولت برنامه دیگری نداشت و با دمیدن بر هیجان ناشی از این باور عوامانه که با مذاکره درهای بهشت بر روی ما باز می‌شود، توانسته بود رأی بیاورد. این رویکرد انفعالی نتوانست مشکلات اساسی کشور را حل کند و حتی در برخی موارد، باعث تشدید آنها شد.

به نظر می‌رسد باقیمانده‌های آن دولت، همچنان بر آن مسیر غلط اصرار دارند. مشاور آشنای دولت آقای روحانی دست از کار نکشیده و سخنان رهبر انقلاب را به گونه‌ای تحریف کرده که مذاکره را در دستور کار دولت حفظ کند. البته دفتر رهبر انقلاب نسبت به این تحریف آشکار واکنش تندی نشان داد. دولت چهاردهم باید از مسیر بن‌بستی که دولت آقای روحانی طی کرد و جز فاجعه حاصلی نداشت فاصله بگیرد و به پیمان دکتر پزشکیان با مردم در ایام انتخابات بازگردد. تمرکز بیش از حد بر مذاکره، FATF و مسائل خارجی و غفلت از ساختارهای داخلی و مسائل اجتماعی، می‌تواند مسیری اشتباه باشد که دولت بی‌برنامه آقای روحانی پیمود و حاصلش را دیدیم. ذکر این نکته هم ضروری است که نباید این موضوع مهم و حیاتی را به فرصتی برای رقابت‌های جناحی و سرزنش دولت تبدیل کنیم. شعارهای توهمین‌آمیز نه‌تنها غیراخلاقی، بلکه از عقلانیت و تدبیر نیز به دور است.

در شرایط حساس کنونی، بیش از هر زمان دیگری به وحدت و همدلی نیاز داریم. لازم است در همان چارچوبی که ترسیم شد، به دولت اطمینان بدهیم که در صورت حرکت در مسیر عقلانیت و تعامل سازنده با مردم، همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی با او همراه خواهند بود.

بباید این موضوع را فرصتی برای وفاق ملی و همدلی ببینیم، نه فرصتی برای کنایه، رقابت و تفرقه. با همفکری و همکاری، می‌توانیم بر مشکلات فائق آییم و آینده‌ای روشن برای کشورمان رقم بزنیم.

## مقاومت زنده و جاودانه خواهد ماند

محمد حسین پورامینی

بیروت در سوگ مردی بزرگ به سر می‌برد که نه تنها یک رهبر سیاسی، بلکه نماد مقاومت در جهان اسلام بود. شهید سید حسن نصرالله، این اسطوره‌ی استوار و خروشان، به ملکوت اعلا پیوست، اما یاد و آرمان‌هایش در قلب‌های میلیون‌ها انسان زنده است. تشیع جنازه‌ی میلیون‌ها آوازی خواهد بود بر این که مقاومت نه تنها زنده است، بلکه جاودانه خواهد ماند.

شهید سید حسن نصرالله، تجلی‌بخش حماسه‌ی حسینی بود. او با الهام از قیام امام حسین (ع)، به جهانیان ثابت کرد که مقاومت در برابر اشغالگران و مستکبران نه تنها ممکن است، بلکه پیروزی‌بخش نیز هست.

تشیع جنازه‌ی او یادآور این حقیقت است که راه او ادامه خواهد داشت و خون شهیدان، درخت آزادی را آبیاری خواهد کرد.

مقاومت زنده است، چون رهبران‌ش جاودانه‌اند. سید حسن نصرالله با سخنرانی‌های آتشین و موضع‌گیری‌های قاطع، روح امت را زنده نگه داشت. او نه تنها برای لبنان، بلکه برای تمامی مستضعفان جهان، نماد امید و مقاومت بود. میلیون‌ها نفر در تشیع جنازه‌ی او این امید را زنده نگه می‌دارند و به جهانیان نشان می‌دهند که مقاومت میراثی است که با رفتن هیچ فردی از بین نمی‌رود.

مقاومت زنده است، چون شهیدانش زنده‌اند. خون شهدای مقاومت، از غزه تا جنوب لبنان، درخت آزادی را آبیاری کرده است. سید حسن نصرالله با یادآوری فداکاری‌های شهدای کربلا، به ما آموخت که مقاومت ادامه‌دهنده‌ی راه آنان است.

تشیع جنازه‌ی او یادآور این است که شهیدان هرگز نمی‌میرند و راهشان تا روز پیروزی نهایی حق بر باطل ادامه خواهد یافت.

مقاومت زنده است، چون ایمانش زنده است. ایمان به خدا، به عدالت و به پیروزی نهایی حق بر باطل. سید حسن نصرالله با تکیه بر این ایمان، به ما یادآوری کرد که مقاومت تنها راه نجات است.

میلیون‌ها نفر در تشیع جنازه‌ی او این ایمان را فریاد می‌زنند و به جهانیان اعلام می‌کنند که مبارزه برای آزادی و عدالت، نه تنها یک وظیفه‌ی دینی، بلکه یک مسئولیت انسانی است.

بیروت شاهد یکی از بزرگ‌ترین تشیع‌های تاریخ خواهد بود. میلیون‌ها نفر با قلبی پر از غم، اما روحی سرشار از امید، وداع با سید حسن نصرالله را گرامی می‌دارند. این تشیع، نه تنها یک وداع، بلکه تجدید میثاق با آرمان‌های اوست. مقاومت زنده است و خواهد ماند. تا زمانی که یاد و راه سید حسن نصرالله در قلب‌ها زنده باشد، امید به پیروزی حق بر باطل نیز زنده خواهد بود.

پس بگذارید فریاد بزینم: مقاومت زنده است! و تا روزی که ظلم و ستم در جهان وجود دارد، این فریاد ادامه خواهد یافت. سید حسن نصرالله رفت، اما آرمان‌هایش جاودانه است.

## نقش بسیار برجسته‌ی شهید نصرالله در اعتلای جبهه مقاومت

سید علیرضا داود

مقاومت در برابر رژیم صهیونی بسازد. پیروزی مقتدرانه حزب‌الله در این جنگ‌ها، که به شکست مفتضحانه و عقب‌نشینی رژیم صهیونی منجر شد، به‌عنوان یک نقطه عطف برای جبهه مقاومت شناخته می‌شود و الهام‌بخش گروه‌های دیگر در منطقه شد.

تقویت اتحاد منطقه‌ای: شهید نصرالله با ایجاد ارتباط نزدیک با ایران و سوریه، محور مقاومت را مستحکم‌تر کرد. این همکاری شامل پشتیبانی لجستیکی، آموزشی و مالی از گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی نیز بود که به انسجام بیشتر این جبهه کمک کرد.

رهبری کارزماتیک و ایدئولوژیک در حوزه‌های جنگ‌های شناختی و عملیات روانی: شهید نصرالله با سخنرانی‌های شجاعانه،

شهید سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، نقش بسیار برجسته‌ای در اعتلای جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا و حتی در سطح بین‌الملل ایفا کرده است. او از زمان به‌دست‌گرفتن رهبری حزب‌الله در سال ۱۹۹۲ پس از ترور شهید سید عباس موسوی، با راهبردهای شناختی، سیاسی و نظامی خود، این سازمان را به یکی از قدرتمندترین بازیگران غیردولتی در منطقه تبدیل کرد. در ادامه، به برخی از جنبه‌های کلیدی نقش او در تقویت جبهه مقاومت اشاره می‌کنم:

تقویت تفکر مقاومت در حوزه‌های آفندی و پدافندی در برابر رژیم صهیونی: شهید نصرالله با رهبری حزب‌الله در جنگ‌های متعدد در ۳ سطح سخت، نیمه سخت، نرم و شناختی، به‌ویژه جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، جنگ ۲۰۲۴ و ... توانست چهره‌ای مقتدر برای

ولایت‌مدارانه و آتشین و توانایی برقراری ارتباط با ذهن‌ها و قلب‌های مردم، توانست عقاید و تفکرات مقاومت را در میان شیعیان لبنان و فراتر از آن ترویج دهد. او با ترکیب مذهب، ملی‌گرایی و مبارزه با اشغالگری، پایگاهی مردمی برای حزب‌الله ایجاد کرد.

نقش موثر در جنگ با تروریست‌های داعش، تحریرالشام و النصره سوریه: حمایت راهبردی حزب‌الله از دولت سوریه در تهاجم تروریست‌های مورد حمایت آمریکا، رژیم صهیونی، عربستان، امارات و برخی کشورهای اروپایی و ... که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، نشان‌دهنده تعهد شهید نصرالله به حفظ "ستون فقرات" محور مقاومت بود. او این مداخله را برای جلوگیری از سقوط متحد استراتژیک خود و قطع ارتباط زمینی با ایران ضروری می‌دانست.

افزایش توان نظامی: تحت رهبری شهید نصرالله، حزب‌الله از یک گروه شبه‌نظامی کوچک به نیرویی با تسلیحات پیشرفته، از جمله موشک‌های دوربرد، تبدیل شد که این امر قدرت بارز او را در جبهه مقاومت را در برابر دشمنانش افزایش داد. به طور کلی، شهید نصرالله با ترکیبی از شجاعت نظامی، دیپلماسی منطقه‌ای و نفوذ ایدئولوژیک، حزب‌الله را به نماد مقاومت تبدیل کرد و جبهه مقاومت را در برابر قدرت‌های غربی و رژیم صهیونی تقویت نمود.

شهید سید حسن نصرالله با ولایت‌مداری محض از امام خامنه‌ای حفظه‌الله تبدیل به یک قهرمان جهانی شد و حتی پس از شهادت مظلومانه‌اش همچنان دشمنان از نامش، یادش و راهش در هراس هستند

افزایش توان نظامی: تحت رهبری شهید نصرالله، حزب‌الله از یک گروه شبه‌نظامی کوچک به نیرویی با تسلیحات پیشرفته، از جمله موشک‌های دوربرد، تبدیل شد که این امر قدرت بارز او را در جبهه مقاومت را در برابر دشمنانش افزایش داد. به طور کلی، شهید نصرالله با ترکیبی از شجاعت نظامی، دیپلماسی منطقه‌ای و نفوذ ایدئولوژیک، حزب‌الله را به نماد مقاومت تبدیل کرد و جبهه مقاومت را در برابر قدرت‌های غربی و رژیم صهیونی تقویت نمود.

افزایش توان نظامی: تحت رهبری شهید نصرالله، حزب‌الله از یک گروه شبه‌نظامی کوچک به نیرویی با تسلیحات پیشرفته، از جمله موشک‌های دوربرد، تبدیل شد که این امر قدرت بارز او را در جبهه مقاومت را در برابر دشمنانش افزایش داد. به طور کلی، شهید نصرالله با ترکیبی از شجاعت نظامی، دیپلماسی منطقه‌ای و نفوذ ایدئولوژیک، حزب‌الله را به نماد مقاومت تبدیل کرد و جبهه مقاومت را در برابر قدرت‌های غربی و رژیم صهیونی تقویت نمود.

افزایش توان نظامی: تحت رهبری شهید نصرالله، حزب‌الله از یک گروه شبه‌نظامی کوچک به نیرویی با تسلیحات پیشرفته، از جمله موشک‌های دوربرد، تبدیل شد که این امر قدرت بارز او را در جبهه مقاومت را در برابر دشمنانش افزایش داد. به طور کلی، شهید نصرالله با ترکیبی از شجاعت نظامی، دیپلماسی منطقه‌ای و نفوذ ایدئولوژیک، حزب‌الله را به نماد مقاومت تبدیل کرد و جبهه مقاومت را در برابر قدرت‌های غربی و رژیم صهیونی تقویت نمود.



## شهادت، شکست نیست

شهادت، طریق خوبان درگاه الهی و نشانه‌ای از پایداری به عهد الهی تا آخرین قطره‌ی خون است. این والاترین مرتبه از ایثار، تجلی‌گاه عشق به معبود و فداکاری در راه آرمان‌های الهی است. شهادت، مرز میان زندگی فانی و حیات جاودانه است؛ پلی است از جنس نور که مؤمنان را به وصال معشوق می‌رساند.

شهادت، نشان ضعف و انفعال نیست، بلکه اوج اقتدار و مقاومت در برابر ظلم و استبداد است. شهادت، فریاد رهایی از بندگی دنیوی و پیوستن به جمع آزادگان است. شهید با خون خود، درخت آزادی را آبیاری می‌کند و با نثار جان، درس ایثار و فداکاری را به آیندگان می‌آموزد. شهادت، سند افتخار و عزت برای ملت‌هاست و راهی است برای رسیدن به رستگاری.

شهادت، از جنبه‌های دیگر، نقابی را از چهره کفر و نفاق برمی‌دارد و با روشنی خود، دل‌های تاریک یک ملت را روشن و زنده می‌کند. این روشنی، مسیر حق را از باطل جدا می‌کند و به مردم نشان می‌دهد که چه کسانی در پی عدالت و چه کسانی در پی ظلم و ستم هستند. شهادت در این نگاه، نه تنها پایان نیست بلکه آغازی برای بیداری وجدان‌ها و فروپاشی ستمگران است. شهادت، شکست نیست بلکه پیروزی حقیقت بر باطل است؛ ابتدای مسیری است که به نابودی مستکبران و مستبدان عالم می‌انجامد.

سیداحسان علوی



حجت‌الاسلام والمسلمین سید احسان علوی، رئیس دانشگاه باقرالعلوم (ع) در پیش‌نشست همایش ملی «منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اندیشه فقهی» با موضوع «بازخوانی حقوق شهروندی در نظام اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری» که در دانشگاه باقرالعلوم (ع) برگزار شد، اظهار کرد: اساساً حقوق شهروندی به‌عنوان یک مفهوم اساسی در علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی شناخته می‌شود و این مفهوم مجموعه‌ای از حقوق، تکالیف و امتیازات قانونی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود که منشأ آن اصول اخلاقی، فلسفی و حقوقی است.

رئیس دانشگاه باقرالعلوم (ع) اذعان کرد: در این میان، اگر بخواهیم مسئله اصلی را واضح‌تر مطرح کنیم، باید بگوییم که سؤال اساسی در این مطالعه این است: مبانی فقهی حقوق شهروندی در نظریات آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ این مبانی از چه منابع و اصول فکری در فقه سیاسی شکل گرفته‌اند؟

عقود در فقه، نیازهای عقلایی و عمومی جامعه را پاسخ می‌دهد حجت‌الاسلام والمسلمین علوی ادامه داد: یکی از نمونه‌های

## سید حسن نصرالله و من هویتی ما: ظهورات تاریخی در آن سوی مرزهای ملی

مهدی جمشیدی



ایکم. بی‌پروا باید از این گزاره آغاز کرد که «این وطن، مصر و عراق و شام نیست». نسبتی که اکنون پاره مؤمن و انقلابی جامعه ایران با شهید سیدحسن نصرالله برقرار کرده، چنین نسبتی است؛ نوعی شیدایی و شیفتگی فراملی و عبور کرده از مرزهای سیاسی و رسیده به ساحت جان و دل و حقیقت، مرزهای ملی و قومی و نژادی، جملگی اعتباری هستند و از هیچ حقیقت قدسی‌ای حکایت نمی‌کنند، اما با این حال، در محاسبه ذهنی بسیاری، تعیین‌کننده هستند. انسان‌هایی که بر عقل این جهانی و ظاهرپسند تکیه می‌کنند، به چنین معادلات و مناسباتی دلخوش دارند، اما

آنان که از عالم باطن و معنا بهره برداند و خویشتن‌شان را در نسبت با حقیقت قدسی یافته‌اند، از اعتبارات و ظواهر گریزانند و مجال نمی‌دهند که پرده چشم مادی، آنها را کور کند. در دهه شصت، امام خمینی خطاب به نیروهای مقاومت لبنان گفت در ذهن ما، مرزبندی و تفکیک میان ایران و لبنان نیست و همه مسلمانیم و حاملان و قائلان یک عهد تاریخی. آن گفته شیرین، امروز به گسترده‌ترین شکل، تجلی یافته است؛ چه در وضع انفسی و درونی ما و چه در وضع آفاقی و عینی. امروز به عیان مشاهده و احساس می‌کنیم که سیدحسن نصرالله، از ما بوده و گویا ما پاره‌ای از هستی مقاومتی خویش را از دست داده‌ایم. ما میان خود و او، هیچ فاصله‌ای را احساس نمی‌کنیم. روشن است که این اتفاق ذهنی و دلی، حاصل گذار از مرزها و حصارها و خط‌کشی‌های ملی و این جهانی است و نگاه امتی و دینی و ملکوتی را بیان می‌کند.

آدم]. در این نگاه، ما از هر ملیتی که باشیم، امت رسول‌الله هستیم و رسول‌الله، همه هویت و تاریخ و معنا و منزلت ماست. این یعنی برخلاف تاریخ‌ها و هویت‌های این جهانی که بر توافقات و معادلات مادی و سیاسی تکیه دارند، در اینجا سخن از عهد دینی به میان آمده و تاریخ بر اساس ظهورات قدسی و انوار ملکوتی، تقسیم و تفکیک شده است. ما، خویشتن‌مان را ذیل نور محمدی، تعریف کرده‌ایم و آن را یک عهد تاریخی می‌شماریم که به تدریج، بسط یافته و اینک در قالب و هیئت یک امت، محقق شده است. این امت، برآیند یک تاریخ قدسی و ربانی است و نه همانند ملت که جز در سایه محاسبات سیاسی و اعتباری و شخصی، وجود نمی‌یابد. من ما، ریشه در ملکوت و حیات باطنی دارد و این همه، حاصل تعلق خاطر جمعی به نور محمدی و تاریخ برخاسته از تجلیات و ظهورات بیرونی آن است. من ما،

حاصل طرح تکوینی قدسی است و این چنین است که ما در نسبت با سیدحسن نصرالله، این همه آغشته به عشق و مودت و حسرت و گداز هستیم و در لحظه، تعلقات ملی خود را به فراموشی سپرده‌ایم. این همان عالم نور محمدی است که ما را ذیل حقیقت ملکوتی، گرد آورده و وجودمان را یکپارچه و همگون کرده است.

اسوم]. آن جنبه قدسی که به اشارت بیان شد، روح و باطن این تاریخ را تشکیل می‌دهد، اما در متن آن و به دلیل مواجهه چالشی با عالم تجدد، در صورت «مقاومت» ظاهر شده است. مقاومت، جوهر تاریخ جدید ماست؛ چنان‌که همه ساحات وجودی ما را به تصرف خود درآورده و به وجه نمادین و غلیظ حیات هویتی ما تبدیل شده است. اگر در برابر ما، عالم تجدد و زیاده‌خواهی و استکبارگری و تفرعن آن قرار نداشت، چنین وجهی نیز عیان نمی‌شد، اما روشن است که حیات جمعی ما در تاریخ متأخر، بسیار مماس با این امر مزاحم و مخرب بوده و براین اساس، ضرورت تاریخی ایجاد کرده که ما «جلالت» خویش را آشکار سازیم و در قامت مبارزه و رویارویی و اصطکاک، خویش را نمایان سازیم. هیچ‌یک از جوامع مسلمان در این دوره تاریخی، بی‌نصیب از تعدی و تلاطم عالم تجدد نبوده‌اند و هر یک به نوعی، در تلاطم و تکانه این تعارض و ستیز، گرفتار بوده و هستند. از این رو، چهره‌هایی از متن تاریخ تجدیدشده حیات دینی برخاسته‌اند که جنبش‌های درون‌خیز و واکنشی را پرچم‌داری کرده‌اند و به تحركات و تکاپوها، جهت داده‌اند. از این جمله، سیدحسن نصرالله بود که به‌مثابه یکی از فرزندان وجه مصلحانه و حماسی انقلاب اسلامی، پرچم مقاومت را به دست گرفت و حرارت و هیجان و شور اسلامی آفرید و تاریخ تحقیرشده اسلامی را احیا و پیشرو کرد. او در مدت اندکی، تاریخ مستمر ربه‌عقب و انفعالی و سلطه‌زده اسلامی را عزت و اقتدار و تفوق بخشید و عالم تجدد را وادار به تسلیم و تمکین نمود.

## از منظر مقام معظم رهبری مسئولیت حکومت، فراتر از ایجاد امنیت است

فقهی مشاهده می‌شود که این مسئله نه تنها ابعاد حقوقی دارد، بلکه گویای نگاه عمیق اسلامی به مقوله‌های حقوق شهروندی و جایگاه وفای به عهد است.

### مسئولیت حکومت از منظر مقام معظم رهبری فراتر از ایجاد امنیت است

رئیس دانشگاه باقرالعلوم (ع) تصریح کرد: از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فلسفه حقوق شهروندی مفهومی عمیق دارد و ایشان در بیانات خود بر مسائل متنوعی همچون امنیت اقتصادی، مشارکت سیاسی و سایر جنبه‌های حقوق شهروندی تأکید کرده‌اند که در نگاه ایشان، این حقوق نه تنها به رسمیت شناخته می‌شوند، بلکه به‌عنوان امانتی الهی تلقی می‌شوند که باید از آن‌ها محافظت شود. در چارچوب فقه اسلامی نیز، این حقوق مانند امانتی هستند که حکومت مسئولیت نگهداری از آن‌ها را بر عهده دارد.

از منظر مقام معظم رهبری، مسئولیت حکومت فراتر از ایجاد امنیت است؛ بلکه حکومت موظف است تا حد ممکن از حقوق شهروندی حراست کند که این دیدگاه نشان‌دهنده تعهدی است که نه تنها از نظر اخلاقی بلکه از حیث شرعی نیز بار مسئولیتی سنگین بر دوش حاکمیت می‌گذارد و اگر ما این تفسیر را بپذیریم، باید قبول کنیم که هرگونه کوتاهی یا قصور در این زمینه ضامن جبران خسارت خواهد بود.

بحث امانت در عقود فقه سیاسی، به‌ویژه از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، دارای ویژگی منحصربه‌فردی است و در حقوق خصوصی وقتی از «امین» صحبت می‌کنیم، به فردی اشاره داریم که در صورت تلف شدن مال، مسئولیتی از بابت جبران ندارد؛ مگر اینکه مرتکب تقصیر شده باشد.



## محور مقاومت در برابر نظم سلطه

سعیدسپاهی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تحلیل راهبردی محور مقاومت، «استقلال در تصمیم‌گیری» است. برخلاف ائتلاف‌های وابسته در نظام بین‌الملل که بر اساس وابستگی‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی شکل می‌گیرند، محور مقاومت مدلی از حکمرانی غیر متمرکز اما هم‌افزا را ارائه می‌دهد.

### استقلال تصمیم‌گیری؛ عامل بقا و پایداری

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که جنبش‌هایی که وابسته به قدرت‌های خارجی بوده‌اند، در بزنگاه‌های حساس دچار فروپاشی شده‌اند. اما محور مقاومت برخلاف مدل‌های سنتی، بر اساس خودمختاری ملی و ابتکار عمل بومی هر عضو عمل می‌کند. این یک الگوی راهبردی است که موجب می‌شود هر جزء این محور، بدون نیاز به فرمان مستقیم، بر اساس شرایط میدانی و مصلحت راهبردی خود اقدام کند. این همان مدلی است که در تاریخ اسلام، در دوران ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و جریان تشیع مبارز تجربه شده است. امام صادق (ع) شبکه‌ای از شاگردان را در سراسر جهان اسلام تربیت کرد که هر یک در منطقه خود، بدون وابستگی تشکیلاتی مستقیم، وظیفه نشر معارف و مقاومت در برابر انحراف را بر عهده داشتند.

### محور مقاومت؛ از وابستگی به هم‌افزایی راهبردی

رسانه‌های غربی همواره تلاش دارند تا محور مقاومت را «نیابتی» معرفی کنند، در حالی که واقعیت این است که این محور، یک منظومه هم‌افزا از بازیگران مستقل است که در یک پارادایم مشترک عمل می‌کنند. درست مانند نحوه شکل‌گیری حکومت‌های شیعی در طول تاریخ، از آل‌بویه تا صفویه، که هر یک بر اساس شرایط داخلی خود تصمیم می‌گرفتند، اما در عین حال، در برابر یک دشمن مشترک (نظام خلافت عباسی یا عثمانی) جبهه‌ای منسجم تشکیل می‌دادند.

### استراتژی تطبیقی مقاومت؛ انعطاف در تاکتیک، ثبات در هدف

یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری و موفقیت محور مقاومت، انعطاف در شیوه‌های مبارزه و پایداری در اصول و اهداف است. این رویکرد دقیقاً برخاسته از تجربه اهل‌بیت (ع) است؛ جایی که امام حسن (ع) در شرایط خاص صلح کرد، اما امام حسین (ع) در همان امتداد، قیام را انتخاب نمود. این الگوی تصمیم‌گیری پویا باعث شده است که هر یک از گروه‌های مقاومت، متناسب با جغرافیا، ظرفیت و شرایط خود، بهترین راهبرد را اتخاذ کنند.

### نتیجه‌گیری:

مدل محور مقاومت، یک الگوی راهبردی در برابر نظام سلطه است که بر اساس استقلال، هم‌افزایی و انعطاف‌پذیری شکل گرفته است. دشمنان این مدل را درک نمی‌کنند، زیرا عادت کرده‌اند که همه چیز را در چارچوب روابط «سلطه‌گر و تابع» ببینند. اما محور مقاومت، نشان داده که می‌توان بدون وابستگی، بدون تحمیل اراده و تنها با اشتراک در راهبردهای کلان، به یک قدرت منطقه‌ای با ثبات تبدیل شد. این الگو، نه یک پدیده زودگذر، بلکه یک مدل جدید از حکمرانی در جهان اسلام است که آینده منطقه را شکل خواهد داد.



نصرالله بوده و گاهی هم بر اساس درخواست ایرانی‌ها، تا در برخی مسائل بیشتر از او مشورت بگیرند.

■ **او می‌خواست که نتیجه طوفان الاقصی پیروزی خالص فلسطینی باشد**

بن جدو اشاره کرد که «برخی تلاش داشتند تا عملکرد حزب‌الله در حمایت از مقاومت فلسطین در غزه را زیر سوال ببرند.» او توضیح داد که پیشنهادهای به سید نصرالله مطرح کرده بود، از جمله «معرفی یک سخنگوی نظامی.»

جواب سید نصرالله، که به صورت کتبی و از طریق فردی به بن جدو منتقل شد، این بود: «مانمی‌خواهیم از برادران فلسطینی‌مان پیشی بگیریم یا کارهایی که انجام می‌دهیم را به نمایش بگذاریم. این روند ادامه خواهد داشت، چون من می‌خواهم نتیجه طوفان الاقصی یک پیروزی فلسطینی خالص باشد.»

بن جدو افزود که سید نصرالله تأکید کرده بود: «من می‌خواهم این پیروزی، پیروزی‌ای فلسطینی، عربی و سنی باشد. نمی‌خواهم کسی بگوید که شیعیان به عنوان حامیان مقاومت فلسطین فعالیت کرده و نقش بزرگی در آنچه رخ داد داشته‌اند، نه از نظر پشتیبانی و نه از هیچ جنبه دیگر.»

■ **شیخ نعیم قاسم برای انتخاب سید صفی‌الدین به عنوان دبیرکل اقدام کرد**

در مورد شهید سید هاشم صفی‌الدین، بن جدو در گفت‌وگو با المیادین تأکید کرد که «او منتظر تصمیم شیخ نعیم قاسم بود، که به عنوان اولین گزینه برای پست دبیرکل مطرح بود.» او افزود: «شیخ نعیم قاسم بود که پیشقدم شد و با سید صفی‌الدین تماس گرفت و به او گفت باید فوراً و به سرعت شما را به عنوان دبیرکل انتخاب کنیم. اما سید هاشم کمی با او بحث کرد.»

شیخ قاسم به سید صفی‌الدین گفت: «ما نمی‌توانیم وقت را تلف کنیم، و برای حزب‌الله قدرت این است که به سرعت و فوراً دبیرکل خود را اعلام کند. من الان به عنوان معاون دبیرکل صحبت می‌کنم.»

بن جدو همچنین اضافه کرد: «قرار بود انتخاب دبیرکل در همان روزی اعلام شود که سید صفی‌الدین مورد هدف قرار گرفت، و پس از آن طبیعی بود که شیخ نعیم قاسم انتخاب شود.» او ادامه داد: «حزب، رهبری مقاومت نظامی و حتی برخی متحدان خارجی، از شیخ قاسم و موفقیت و شایستگی او در مدیریت نبرد نظامی شگفت‌زده شدند.»

■ **گریه سید نصرالله برای مردمش**

بن جدو درباره گریه‌های سید نصرالله صحبت کرد و دو مورد را تعریف کرد که او برای مردم، محیط اطراف و هوادارانش گریه کرد. او در این باره گفت: «او پس از جنگ ۳۳ روزه صحبت می‌کرد و تحت تأثیر قرار گرفته بود. از دیدن ویرانی‌ها و آوارگی‌هایی که به مردمش وارد شده بود، اشک می‌ریخت. با این حال، در طول جنگ ۳۳ روزه، او به دیدار مردم می‌رفت.»

بن جدو فاش کرد که سید نصرالله، همان‌طور که خودش به او گفته بود، «به باغ الصنائع سر زد، جایی که صدها خانواده آواره حضور داشتند، تا از آن‌ها دلجویی کند. او بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود.»

■ **بار دیگر گریه سید نصرالله پس از حوادث هفتمی در لبنان**

در یک مورد دیگر، سید نصرالله پس از حوادث هفتمی در لبنان گریه کرد. بن جدو در این رابطه، آنچه را که در یک دیدار میان سید نصرالله و یکی از رهبران بزرگ و شناخته‌شده جنبش اسلامی عربی اتفاق افتاد، نقل کرد. این دیدار با این هدف برگزار شد که «متوجه شوند چه اتفاقی در هفتم می‌افتاده است، چون اوضاع به سمت تنش‌های طاغی‌های و مذهبی پیش رفته بود.»

بن جدو گفت: «در آن دیدار، سید نصرالله درباره بسیاری از رازها، جزئیات و پشت‌پرده‌ها با آن فرد صحبت کرد و با جزئیات کامل توضیح داد تا این شبهه‌ها را از بین ببرد که حوادث هفتمی از ارتباطی به تنش‌های سنی-شیعه دارد. او تأکید کرد که این موضوع اصلاً ربطی به این ندارد و هیچ حمله‌ی شیعه‌ای علیه جامعه سنی وجود نداشته است. سید نصرالله به خاطر این موضوع گریه کرد.»

او اضافه کرد: «سید حسن، همان‌طور که برای مردم گریه کرد، برای مقاومت‌کنندگان نیز در شب پیجر گریه کرد. شاید در آن شب بیشتر از هر زمان دیگری در زندگی‌اش گریه کرده باشد.»

■ **دهه بار با او دیدار کردم و همه روی زمین بود**

رئیس هیئت مدیره المیادین همچنین تأکید کرد که سید نصرالله فردی شجاع بود و افزود: «آنچه درباره زندگی او در زیر تونل‌ها گفته می‌شود، کاملاً نادرست است.»

او تأکید کرد که با سید نصرالله «دهه بار دیدار کرده است و همه این دیدارها روی زمین و حتی روی پشت‌بام‌ها بوده است. حتی در سال‌های اخیر هم، حتی یک بار سید نصرالله را در تونل ملاقات نکرده‌ام.»

■ **سید نصرالله شخصاً در ضاحیه رانندگی می‌کرد**

بن جدو فاش کرد که سید نصرالله «خودش در ضاحیه رانندگی می‌کرد.» او اضافه کرد: «حتی بیشتر از این، من می‌دانم که در جنگ جرو، او شخصاً حضور داشت و در آن شرکت کرد. من می‌دانم که او به بقاع رفت و به چندین شهر و روستا در جنوب نیز سر زد. به مردم صور می‌گویم که او صور را دوست داشت و به آنجا رفت، چون می‌خواست از آثار تاریخی آن دیدن کند. او خودش رانندگی می‌کرد و خودش بازمی‌گشت.»

## رازهای ناگفته دیدارهای غسان بن جدو با سید حسن نصرالله: از وعده‌های شهید تا جانشینی سید هاشم صفی‌الدین

■ **درخواست حاج جهاد از بن جدو**

حاج جهاد از بن جدو خواست که مدت زمان دیدار بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه باشد، مگر اینکه بخواهند بیشتر طول بکشند. بن جدو ادامه داد: «وقتی سید آمد، به او گفتم که فلائی به من گفته مصاحبه باید حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه باشد. اما سید پاسخ داد: نه، نگران نباش و زمان را آزاد بگذار.»

او افزود: «ما زمان را آزاد گذاشتیم. این موضوع نشان‌دهنده اعتماد کامل او به خدا، مقاومت و اطرافیانش بود. هیچ مشکلی وجود نداشت. او بسیار آرام و خونسرد بود. ما در طبقه پنجم یا ششم بودیم و او به‌طور غیرعادی آرام بود. حتی با وجود شنیدن صدای هواپیماها، کوچک‌ترین حرکتی نکرد، بلند نشد یا محل را ترک نکرد.»

■ **سخاوت سید نصرالله**

رئیس هیئت مدیره المیادین در صحبت‌هایش به بخشندگی سید نصرالله اشاره کرد و گفت: «او بسیار سخاوتمند بود. به هر کس که از او چیزی می‌خواست، هدیه می‌داد.» حتی گاهی اوقات «بدون اینکه درخواستی کنیم، به ما لطف می‌کرد.»

اما مهم‌ترین هدیه‌ای که بن جدو دریافت کرد، «عبای شخصی سید نصرالله» بود که پس از جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ به او هدیه داد.

او در این باره گفت: «بعد از جنگ سال ۲۰۰۶، به دیدار خصوصی او رفتم. در پایان جلسه، عباى شخصی‌اش را درآورد و به من پوشاند. این مقدس‌ترین و مهم‌ترین هدیه‌ای بود که دریافت کردم. این لحظه در عکس‌ها ثبت شد، اما من آن عکس‌ها را ندارم. با این حال، عبا نزد من است و به‌شکل بسیار خاصی در قاب نگهداری می‌شود.»

■ **دیدار برنامه‌ریزی شده با نیبه بری**

بن جدو همچنین اشاره کرد که قرار بود یک گفت‌وگوی ویژه بین سید نصرالله و رئیس مجلس لبنان، نیبه بری، در شانزدهمین سالگرد جنگ ژوئیه انجام شود، اما شرایط اجازه این کار را نداد.

■ **اهمیت رسانه از نگاه سید نصرالله**

در مورد رابطه سید نصرالله با رسانه، رئیس هیئت مدیره المیادین تأکید کرد: «او به‌شکل ویژه‌ای به رسانه اهمیت می‌داد، برای آن ارزش قائل بود و به اهمیت آن واقف بود.»

رئیس هیئت مدیره المیادین در مورد رابطه سید نصرالله با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران هم گفت: «او به رسانه‌ها بسیار اهمیت می‌داد و آن‌ها را ارج می‌نهاد و از اهمیتشان آگاه بود.»

غسان همچنین می‌گوید در سال ۲۰۲۰، سید نصرالله را ملاقات کرد و در مورد برخی مسائل با او صحبت کرد و از او اجازه گرفت تا مستندی بزرگ درباره حزب‌الله در چهلمین سالگرد آن، پس از دو سال، تهیه کند. سید نصرالله پاسخ داد: «شما آزادید. اما من چه ربطی به این موضوع دارم؟» غسان می‌گوید به ایشان گفته است که هدف از این درخواست، کسب اجازه این است که هم سید و هم فرماندهان حزب‌الله در این مستند صحبت کنند. اما سید خواست که در این مستند حضور نداشته باشد.

■ **۳۴ دیدار مخفیانه با رفیق حریری**

غسان از تأثیر عمیق ترور «رفیق حریری» نخست وزیر لبنان بر سید نصرالله، «در سطح شخصی قبل از سطح ملی» صحبت کرد و گفت سید نصرالله ۳۴ بار به طور مخفیانه و غیرعلنی با حریری دیدار کرده است و در دیدار سی و چهارم، دوستی و محبت غیرطبیعی وجود داشت. او می‌افزاید سید پس از ترور حریری تحت تأثیر قرار گرفته بود و گفت «به توافق مشترکی برای همکاری آینده در مدت زمان بسیار طولانی رسیده بودیم.» (سید) گفت: «به غیر از نیبه بری و رابطه ویژه‌ای که من با جنبش امل دارم، من یک رابطه اساسی با حریری داشتم که با تمام روابط دیگر متفاوت بود.» غسان می‌گوید: «چشم‌انداز استثنایی برای همکاری با شهید حریری در همه مسائل وجود داشت. او (سید) حتی به من گفت که تقریباً در تمام مسائل به توافق رسیده‌ایم. حتی در مورد انتخابات پارلمانی که قرار بود در سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ برگزار شود، به توافق رسیدیم. در مورد اتحاد و همکاری به توافق رسیدیم و تنها دو نکته باقی ماند: اولی مربوط به حزب داشنک بود که حل کردیم. اما نکته دوم مربوط به حزب اسلامی بود، که حریری ترور شد و فرصتی برای حل آن پیدا نکردیم.»

غسان تأکید می‌کند که سید نصرالله پس از ترور حریری «خطری واقعی را برای لبنان احساس می‌کرد و اطمینان داشت که می‌داند چه کسی او را ترور کرده، دستور ترور او را داده است.» او ادامه می‌دهد: «او می‌دید که ترازوی بزرگی در منطقه رخ خواهد داد و آن را احساس می‌کرد، به خصوص در مورد فتنه شیعه و سنی، زیرا اگر سید و حریری با هم ملاقات می‌کردند، ما در مسیر بسیار بزرگی از وحدت اسلامی بین شیعه و سنی، به ویژه بین گروه‌های داخل لبنان، قرار می‌گرفتیم.»

■ **صلح داخلی در لبنان**

درباره تأکید سید بر لزوم محافظت از صلح داخلی در لبنان، غسان تأکید می‌کند که سید همیشه نگران تنش داخلی بود. او می‌افزاید سید خواستار آرامش و صلح داخلی در لبنان و دوری کشور از تنش‌ها بود تا مقاومت نظامی در کار خود راحت باشد. او حتی نگران بود که هرگونه تنش یا تشنج یا موضوعی منجر به خشونت شود.

غسان می‌گوید سید همیشه نگران ستون پنجم دشمن و این که اوضاع از کنترل خارج شود بود و او یک دغدغه بزرگ به نام صلح داخلی داشت، زیرا او مانند شهید حریری متقاعد شده بود که هیچ‌کس نمی‌تواند بر لبنان مسلط شود، هر چقدر هم که قدرت نظامی، سیاسی یا مالی او قوی باشد یا روابط بین‌المللی و خارجی قدرتمندی داشته باشد.

بن جدو معتقد بود که نقطه قوت سید نصرالله و حزب‌الله این است که آن‌ها لبنانی و شیعه هستند، اما در عین حال، این ویژگی نقطه ضعف آن‌ها نیز محسوب می‌شود.

«مانند دیگرانی که سید حسن نصرالله را می‌شناختند، هرگز تصور نمی‌کردم روزی درباره‌ی او صحبت کنم، آن هم در حالی که او شهید شده است.» این‌گونه غسان بن‌جدو، رئیس هیئت مدیره شبکه المیادین و مدیر سابق شبکه الجزیره، سخنان خود را درباره «سید الامه» آغاز کرد؛ کسی که «دوست نداشت درباره‌اش صحبت کنیم، او را ستایش کنیم یا حتی به او اشاره‌ای مثبت داشته باشیم، چه در حضور او و چه در غیابش.»

بن‌جدو در ادامه صحبت‌هایش به سال ۲۰۱۴ بازگشت؛ زمانی که «وضعیت دشواری داشتم و سید از این وضعیت مطلع بود.» او افزود: «کنار او بودم و ایشان به من قولی دادند. گفتند: وقتی شهید شوی، من درباره‌ات صحبت خواهم کرد. در آن لحظه پیشانی او را بوسیدم و از او تشکر کردم، چون تصور می‌کردم که من قبل از او به دیدار خدا خواهم رفت. هرگز به ذهنم خطور نکرد که روزی درباره‌ی او صحبت کنم، آن هم در حالی که او شهید شده است.» وقتی بن‌جدو درباره تأثیر خبر شهادت صحبت می‌کرد، به یاد آورد که «اینجا، در شبکه المیادین بودم» و اولین کلمه‌ای که وقتی انفجار بزرگ و شدید را شنید، گفت این بود: «فقط سید.»

در آن شب، یعنی یک روز پیش از اعلام شهادت، بن‌جدو از موضوع مطلع شد. او گفت: «با دو نفر صحبت کردم و یکی از آن‌ها به من گفت که ما با این موضوع طوری برخورد می‌کنیم که گویا سید شهید شده است. من هم از او پرسیدم: آیا سید هاشم سالم است؟» آن فرد پاسخ داد: «بله، سید هاشم سالم است.» درباره دلیل این پرسشی، بن‌جدو توضیح داد: «این سوال را پرسیدم چون معتقدم، تقریباً مانند بسیاری دیگر، که سید هاشم صفی‌الدین از جمله شاخص‌ترین افراد واجد شرایط برای جانشینی سید نصرالله بود.»

■ **شوک پس از شهادت سید نصرالله**

رئیس هیئت مدیره شبکه المیادین درباره شوکی که پس از شهادت سید نصرالله به آن دچار شد، گفت: «دچار یک شوک سرد، یک آرامش غیرطبیعی شدم. من در روز شهادت سید، حتی یک قطره اشک هم نریختم.»

در آن لحظه، اولین دغدغه و مسئولیتی که بن‌جدو احساس کرد، «دامه کار المیادین» بود. او در این باره تأکید کرد: «حساس کردم مسئولیتم در آن زمان این است که صحبت نکنم و وقت را با بی‌توجهی به المیادین تلف نکنم. دیدم که وظیفه‌ام این است که از نورافکن‌ها دور بمانم، با صحبت نکردن یا نوشتن.»

دو هفته پس از شهادت، «دچار یک شوک عصبی و هیستریک شدم. آن شب، اصلاً نخوابیدم. حالتی کاملاً غیرعادی و عصبی بود.» اما اکنون، «این مناسبت است که این موضوع را ایجاب می‌کند؛ یعنی صحبت درباره جنبه‌هایی از رابطه شخصی که بین شهید سید نصرالله و بن‌جدو وجود داشت.»

■ **دیدار آخر**

آخرین دیداری که سید نصرالله و بن‌جدو را کنار هم جمع کرد، «شب پیش از طوفان» بود. بن‌جدو در صحبت‌هایش فاش کرد که «در حال آماده‌سازی یک دیدار تاریخی با سید بود.» او در جزئیاتی که بیان کرد، گفت: «از ۲۵ ژوئن ۲۰۲۰، فهرستی شامل محورها و عناوین برای سید ارسال کردم و تمایل خود را برای انجام یک گفت‌وگوی طولانی و جامع به او منتقل کردم.»

بن جدو در سخنان خود درباره «سید الامه» اشاره کرد که در سال ۲۰۰۲ با او گفت‌وگویی داشته که بخشی از آن بعدها در مجموعه «چهل و پس از آن» پخش شد. او افزود: «اما در سال ۲۰۱۹، با اصرار از او خواستم درباره دوران دبیرکلی‌اش، یا به‌طور کلی، دوران امت‌های عربی و اسلامی از زمان شکل‌گیری حزب‌الله، گفت‌وگو کنیم. هدفم این بود که درباره خودش صحبت کنیم، اما برای اینکه احساس معذب بودن نکنم، گفتم که می‌خواهیم این مراحل را از زبان شما روایت کنیم، و او پذیرفت.» سپس در ژوئن ۲۰۲۰، «فهرستی شامل ۲۰۰ عنوان برای او ارسال کردم که در قالب پرسش‌های متعدد تدوین شده بود و مجموع آن‌ها به حدود هزار سؤال می‌رسید.»

■ **ملاقات در سالگرد نخستین طوفان الاقصی**

بن جدو همچنین فاش ساخت که در آگوست گذشته، درخواست مصاحبه‌ای با سید حسن نصرالله برای اولین سالگرد «طوفان الاقصی» را مطرح کرده است. او توضیح داد: «با حاج جهاد تماس گرفتم، کسی که بعدها به عنوان شهید بزرگ، سمیر دیب شناخته شد. به او گفتم که قصد دارم از سماحه سید برای انجام مصاحبه درخواست کنم. او به من گفت که اگر من تصمیم گیر باشم، این مصاحبه نباید صورت بگیرد، اما از آنجا که این درخواست امانت است، باید آن را به سماحه سید منتقل کنم.»

چند روز بعد، حاج جهاد با بن جدو تماس گرفت و خبر موافقت با مصاحبه را اعلام کرد. بن جدو هم در پی آن، «عناوینی را برای گفتگو ارسال کرد.»

■ **ملاقات در جنگ ۲۰۰۶... سفری آسان به سمت سید**

در مورد اولین ملاقات خود در جریان جنگ ۲۰۰۶، بن جدو تأکید کرد که «اصلاً فکر نمی‌کرد که در خلال جنگ با سید نصرالله ملاقات داشته باشم.» او افزود: «اما آنچه رخ داد این بود که سماحه سید اولین بار ظاهر شد و با عموم مردم عرب سخن گفت. باید بگویم که از نظر فنی، آن ظاهر شدن موفق نبود.»

بن جدو همچنین یادآور شد: «در آن زمان من به او پیامی فرستادم که این تصویر از نظر فنی مناسب نبوده است. سپس او و حاج عماد تصمیم گرفتند که این مصاحبه انجام شود. من آمادگی نداشتم، اما در دفترم نشستیم بودم که فردی وارد شد و گفت که باید حرکت کنیم، و من بلافاصله متوجه شدم.» او سفر به سوی ملاقات با سید را «ساده‌ترین سفر» توصیف کرد و افزود: «من متوجه شدم که ملاقات در منطقه ماضی برگزار می‌شود. بالا رفتم و وقتی وارد شدم، فوراً از او معدرت‌خواهی کردم و گفتم که من به صورت غیررسمی آمده‌ام، او با کمال احترام گفت: راحت باش.»

## سیاست گذاری غلط حوزه خودرو عامل ایجاد مافیاست خصوصی سازی صنعت خودرو نیازمند شفافیت است

امیرحسین کاکایی-فرشاد فاطمی

نشست تخصصی بررسی مستند اسب‌بی بخار با حضور کارشناسان و پژوهشگران صنعت خودرو در خانه اندیشه ورزان برگزار شد. در این نشست امیرحسین کاکایی، عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت و فرشاد فاطمی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه شریف به ارائه بحث پیرو بررسی این مستند و وضعیت صنعت خودرو ایران پرداختند.

**فاطمی: سیاست گذاری غلط حوزه خودرو عامل ایجاد مافیاست**  
فرشاد فاطمی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف در این نشست گفت: صنعت خودرو در کشور ما نیازمند تغییر اساسی در چیدمان خود است، نه تعطیلی. اگر ساختار تولید بهینه شود، نیاز به ارز آن چنان افزایش نخواهد یافت و در عوض، امکان صادرات قطعات و توسعه صنعتی فراهم خواهد شد. وی با اشاره به موضوع قیمت گذاری دستوری گفت: بسیاری تصور می کنند که آزادسازی قیمت باعث ایجاد رقابت می شود، اما در شرایطی که انحصار وجود دارد، این امر لزوماً به افزایش رقابت منجر نخواهد شد. در دوران عضویت در شورای رقابت، من مخالف مکانیزم‌های موجود بودم و در ۹۰ درصد مصوبات خودرویی رأی مخالف دادم. باید مشخص شود که در صورت حذف قیمت گذاری دستوری، قدرت بالای انحصار در صنعت خودرو چگونه کنترل خواهد شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شریف در ادامه به مسئله اشتغال زایی در صنعت خودرو بیان کرد: ادعای ایجاد ۵۰۰ هزار شغل در این صنعت، نشان دهنده بهره‌وری پایین آن است. در بسیاری از خودروسازهای جهانی، میزان اشتغال زایی به ازای هر خودرو بسیار کمتر از این عدد است. حتی در صورت تغییر ساختار صنعت خودرو و ارتباط با زنجیره جهانی، تولید قطعات و سایر فعالیت‌ها ادامه خواهد یافت و اشتغال از بین نخواهد رفت. آدرس غلط دادن درباره تأثیر سیاست‌های ارزی بر اشتغال، تنها برای توجیه اشتباهات سیاست گذاری است. فاطمی تأکید کرد: مافیا نتیجه سیاست گذاری اشتباه است، نه نتیجه وجود افراد خاص. اگر ساختارهای فسادزا اصلاح نشوند، حتی اگر افراد را تغییر دهیم، همان روابط ناسالم دوباره شکل خواهد گرفت. سیاست گذاری غلط، فضای را ایجاد می کند که افراد از فرصت‌های موجود برای رانت‌جویی استفاده کنند. به جای تمرکز بر افراد، باید ساختارهایی که باعث شکل گیری مافیا می شوند را اصلاح کنیم.

**کاکایی: استخدام‌های سفارشی و ناکارآمد، مانع رشد صنعت خودرو شده است**  
امیرحسین کاکایی، عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت در ادامه این نشست گفت: مستند ارائه شده تلاش خوبی برای نمایش منصفانه دو طرف ماجرا داشت. معمولاً مستندهایی که درباره صنعت خودرو ساخته می شوند، بیشتر به دنبال متهم کردن صنعت و فعالان آن هستند، اما در اینجا تلاش شده تا نگاه متوازن تری ارائه شود. با وجود محدودیت‌های تولید، این مستند توانسته فضایی را برای بررسی مسائل صنعت خودرو ایجاد کند و از این نظر قابل تقدیر است.

وی با اشاره به آمار نیروی انسانی در صنعت خودرو عنوان کرد: در ایران خودرو حدود ۵۰ هزار نفر و در سایپا حدود ۳۰ هزار نفر مشغول به کار هستند، در مجموع ۸۰ هزار نفر، نه ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار نفر. البته صنعت قطعه‌سازی و زنجیره تأمین گسترده‌تر است، اما این عده‌ها نباید بهانه‌ای برای توجیه ناکارآمدی‌ها شود. در بسیاری از موارد، مشکل اصلی تعداد بالای نیروی انسانی نیست، بلکه وجود افراد ناکارآمد، سفارشی و دارای روابط خاص در ساختار اداری شرکت‌هاست که خودشان موجب ناکارآمدی سیستم می شوند.

کاکایی با اشاره به نقش سیاست گذاری‌های نادرست در مشکلات صنعت خودرو تصریح کرد: در ایران، سیاست گذاری‌های غلط و نفوذهای سیاسی بر این صنعت تأثیر منفی گذاشته است. بسیاری از سفارش‌های استخدامی و دخالت‌های غیر کارشناسی، از سوی نمایندگان مجلس و برخی نهادها به خودروسازان تحمیل می شود. در سایر کشورها نیز نمایندگان مجلس تلاش می کنند برای حوزه انتخابیه خود اشتغال زایی کنند، اما تفاوت اساسی در شفافیت و نظارت بر این فرآیند است. در ایران، بسیاری از تصمیمات پشت پرده و بر اساس منافع شخصی اتخاذ می شود، بدون آنکه به آینده صنعت و رقابت پذیری آن فکر شود. وی در ادامه افزود: واقعیت این است که صنعت خودرو در ایران اشتغال زا بوده و تخمین زده می شود که حدود ۵۰۰ هزار نفر به طور مستقیم از این صنعت درآمد دارند. البته برخی گزارش‌ها این عدد را تا ۲ میلیون نفر نیز افزایش می دهند که شامل زنجیره تأمین و بخش‌های غیرمستقیم است.

کاکایی اظهار کرد: با این حال، مشکل اصلی این صنعت عملکرد ضعیف و سیاست گذاری اشتباه است. در برخی دوره‌ها، صنعت خودرو توانسته محرک توسعه صنعتی کشور باشد، اما در بسیاری از موارد، سیاست‌های غلط باعث شده این صنعت به جای توسعه واقعی، به سمت رانت و ناکارآمدی سوق پیدا کند. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت گفت: مافیا نتیجه سیاست گذاری‌های نادرست است، نه صرفاً وجود افراد فاسد. زمانی که ساختار اقتصادی و تصمیم گیری بر مبنای رانت و نفوذ باشد، فساد و روابط ناسالم به صورت سیستماتیک باز تولید می شوند. در بسیاری از کشورها، وجود رانت در برخی بخش‌ها باعث بروز فساد شده، اما تفاوت در نحوه برخورد با این مشکلات و ساختارهای

نظارتی است. در ایران، متأسفانه شبکه‌های قدرت و نفوذ، بر اساس سیاست گذاری‌های اشتباه شکل گرفته‌اند و اگر این روند اصلاح نشود، تغییر افراد نیز تأثیر چندانی نخواهد داشت.

**فاطمی: خصوصی سازی واقعی در صنعت خودرو رخ نداده است**  
فرشاد فاطمی، عضو هیئت علمی دانشگاه شریف، با اشاره به روند خصوصی سازی در صنعت خودرو گفت: خصوصی سازی واقعی انجام نشده، بلکه اعمال حاکمیت شرکتی بوده است. این فرآیند ۱۵ سال طول کشیده و از طریق خرید سهام انجام شده، بدون اینکه اعمال نفوذی در آن رخ دهد.

وی در خصوص سهم کرور در بازار قطعات خودرو افزود: کرور تنها ۵ درصد از قطعات ایران خودرو را تأمین می کند و در سایپا هیچ سهمی ندارد. برخلاف تصور عمومی، سهم این شرکت در سال‌های اخیر کاهش یافته است. همچنین، ایران خودرو خود مالک ۱۷ درصد از بازار قطعات است که نشان می دهد انحصار جدی در این حوزه وجود ندارد.

فاطمی درباره ماهیت انحصار در صنعت خودرو بیان کرد: در کشور هفت تا هشت قطعه‌ساز بزرگ وجود دارد که برخی عملکرد بهتری داشته‌اند. در بازار رقابتی، نقش آن‌ها تحت تأثیر سیاست‌های کلان صنعت خودرو قرار می گیرد و نمی توان آن را انحصار نامید.

وی خاطرنشان کرد: در سطح جهانی نیز شرکت‌هایی مانند هیوندای-کیا و فیات سهم بالایی در بازار دارند، اما در چارچوب رقابت فعالیت می کنند. بنابراین، انحصار ذاتاً بد نیست، بلکه سوءاستفاده از آن مشکل ایجاد می کند. ابتدا باید انحصار را تعریف کرد و سپس بررسی کرد که آیا در صنعت خودرو ایران سوءاستفاده‌ای رخ داده است یا نه.

**کاکایی: خصوصی سازی در صنعت خودرو نیازمند شفافیت و سیاست گذاری دقیق است**  
کاکایی، عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت در خصوص موضوع ادغام و تأثیر آن بر رقابت در صنعت خودرو گفت: مسئله اصلی این است که آیا ادغام قطعه‌سازان با خودروسازان باعث افزایش رقابت پذیری می شود یا خیر. اگر هر دو بخش قدرت انحصاری بالایی داشته باشند، این ادغام می تواند به نفع مصرف کننده باشد، اما اگر قطعه‌سازان قدرت بازار داشته باشند و خودروسازان رقابتی باشند، ممکن است رقابت در بازار خودرو مختل شود.

وی افزود: در بسیاری از موارد، نگرانی اصلی سیاست گذاران این است که چه کسی در کشور قدرت اقتصادی پیدا می کند. اگر سیاست گذاران احساس می کنند که پک مجموعه نباید از حدی فراتر رود، باید این مسئله را صراحتاً اعلام کنند تا فضای سرمایه گذاری در ابهام باقی نماند.

کاکایی همچنین در مورد سیاست‌های قیمت گذاری و تنظیم گری بازار خودرو اظهار کرد: به نظر من، این صنعت نیازی به رگولاتوری اقتصادی گسترده ندارد. اما در مورد ادغام‌های فعلی، بررسی دقیق گزارش‌های کارشناسی ضروری است، زیرا ممکن است در برخی موارد، تسلط یک قطعه‌ساز بر تأمین قطعات کلیدی موجب محدود شدن رقابت شود.

عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت خاطرنشان کرد: عدم شفافیت در سیاست‌های اقتصادی و ابهام در آینده صنعت خودرو، باعث کاهش انگیزه سرمایه گذاری در کشور می شود. باید علامت‌های اقتصادی را به درستی ارسال کنیم تا فعالان اقتصادی بتوانند بر اساس آن‌ها تصمیم گیری کنند.

**فاطمی: سیاست‌های متناقض صنعت خودروی ایران را به بحران کشانده است**

فرشاد فاطمی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با انتقاد از سیاست گذاری‌های متناقض در صنعت خودرو بیان کرد: بارها سیاست‌هایی اجرا شده که خلاف اصول اقتصادی بوده و نتیجه آن وضعیت نابسامان فعلی است. به جای پرداختن به مسائل اساسی، سیاست گذاران با تصمیمات اشتباه، رقابت را از بین برده و مشکلات ساختاری ایجاد کرده‌اند.

وی با اشاره به تجربه جهانی، نقش ادغام‌های عمودی و افقی در رشد صنعت خودرو را مورد بررسی قرار داد و گفت: در دنیا، ادغام‌های موفقیت‌مند فورد و هیوندای صورت گرفته که رقابت پذیری را افزایش داده است، اما در ایران تصمیمات پراکنده و غیرکارشناسی مانند ایجاد خودروسازان متعدد بدون برنامه‌ریزی، موجب اتلاف منابع شده است. فاطمی همچنین به تأثیر مخرب قیمت گذاری دستوری بر صنعت خودرو پرداخت و عنوان کرد: مشکل اصلی، نحوه اجرای سیاست‌های قیمت گذاری است. تأخیر در اعلام قیمت‌های جدید، افزایش شدید هزینه‌ها را به صنعت تحمیل کرده و نارضایتی عمومی را در پی داشته است. درحالی که سایر کشورها با اتخاذ



سیاست‌های منطقی از این چالش‌ها عبور کرده‌اند، ما همچنان گرفتار سیاست‌های ضد و نقیض هستیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بر ضرورت اصلاح نظام تنظیم‌گری تأکید کرد و افزود: بزرگ‌ترین چالش ما، ضعف شدید در تنظیم‌گری و سیاست گذاری کلان است. بدون داشتن یک سیاست پایدار و کارشناسی شده، نه خصوصی سازی موفق خواهد بود و نه رقابت سالم شکل خواهد گرفت. باید از نگاه‌های سیاسی فاصله گرفت و مسائل اقتصادی را با روش‌های علمی مدیریت کرد.

**کاکایی: راهبردهای صنعت خودرو وابسته به روابط خارجی کشور است**

کاکایی، عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت، در مورد نقش تعرفه‌های وارداتی بر درآمد دولت گفت: اینکه دولت با تعرفه بالا بخواهد درآمد بیشتری کسب کند، منطقی نیست، زیرا با افزایش تعرفه، میزان واردات کاهش می یابد و در نهایت درآمدی که انتظار می رود، محقق نخواهد شد. بنابراین، این سیاست در صنعت خودرو چندان کارآمد نیست.

وی در ادامه بیان کرد: اگر روابط خارجی کشور بهبود یابد، بازار ۸۰ میلیونی ایران به یک مزیت تبدیل می شود. زیرساخت‌های جاده‌ای و راه‌آهن کشور، در کنار نبود خودروسازی بومی در کشورهای همسایه مانند عراق، ترکمنستان، پاکستان و آذربایجان، می تواند ایران را به یک قطب خودروسازی منطقه‌ای تبدیل کند. اما در صورت ادامه تحریم‌ها، اقتصاد کشور ضعیف‌تر شده، تولید خودرو با کیفیت پایین تری انجام خواهد شد و مردم مجبور خواهند بود هزینه‌های بیشتری برای خودروهای داخلی بپردازند.

عضو هیئت علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم و صنعت همچنین به اهمیت سیاست‌های پولی در تعیین ارزش پول ملی اشاره کرد و گفت: مسئله اصلی دلار نیست، بلکه سیاست گذاری پولی کشور است که ارزش پول ملی را تعیین می کند. حتی اگر ارزش بریکس یا روبل جایگزین دلار شود، همچنان مشکلات اقتصادی پابرجا خواهند بود. در شرایطی که تفاوت قیمت داخلی و جهانی کالاها قابل مبادله زیاد شود، قاچاق، دزدی و فساد افزایش خواهد یافت و به ایجاد مافیا در اقتصاد منجر می شود.

**فاطمی: تکلیف سیاست و اقتصاد را روشن کنیم/ راه‌حل‌های موقت مشکل خودروسازی را حل نمی کند**

فاطمی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به سیاست‌های اقتصادی نادرست در صنعت خودرو گفت: ما در ۶۰ سال گذشته تقریباً تمام سیاست‌های اقتصادی غلط را اجرا کرده‌ایم. تجربه‌های ناکام در تعرفه گذاری و تخصیص ارز، نشان دهنده عدم تعادل اقتصادی در سیاست گذاری است. اگر قرار باشد برای صنعت خودرو تصمیم بگیریم، ابتدا باید مشخص کنیم که این صنعت اقتصادی است یا امنیتی و سیاسی، چرا که در وضعیت فعلی، هیچ اصلاحی ممکن نخواهد بود.

وی درباره تأثیر تعرفه‌ها بر بازار خودرو گفت: تعرفه گذاری در کشور نه بر اساس منطق اقتصادی، بلکه با هدف جبران عدم تعادل‌ها انجام می شود. در برخی موارد، تعرفه واقعی خودرو بسیار کمتر از مقدار اعلامی است. در نتیجه، تصمیم گیری‌های اشتباه در این حوزه، موجب تشدید مشکلات صنعت خودرو شده است. فاطمی بر ضرورت اصلاح ساختاری تأکید کرد و افزود: یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌ها، ادغام خودروسازان و کاهش پراکندگی در صنعت است. تجربه کره جنوبی نشان می دهد که پذیرش ورشکستگی و ادغام شرکت‌ها، می تواند باعث رشد کیفی صنعت خودرو شود. اما در ایران، همچنان شاهد توسعه بی‌برنامه و گسترش سایت‌های تولیدی در شرایط زیان‌دهی هستیم. وی در پایان با اشاره به روابط اقتصادی ایران و چین گفت: اگر ایران قصد دارد در شرایط تحریم باقی بماند، باید سیاست‌های خود در همکاری با چین را مشخص کند. سیاست‌های متناقض در تعامل با این کشور، فرصت‌های همکاری راهبردی را از بین می برد. بدون یک استراتژی مشخص، نه در داخل کشور به رشد کیفی خواهیم رسید و نه در سطح بین‌المللی جایگاهی پیدا خواهیم کرد. (دیدار نیوز)



## تحریم‌های جدید آمریکا چه اثری بر ناوگان نفت ایران و روسیه دارد؟

به دلیل تحریم‌های شدید آمریکا، نفت روسیه و ایران روی کشتی‌ها انبار شده و رکورد چند ماهه زده است. این تحریم‌ها خریداران نفت را کم کرده و در نتیجه، کشتی‌های کمتری برای حمل و نقل در دسترس هستند، که باعث گرانی نفت خام شده است.

**سیاست «فشار حداکثری» روی ایران با صفر کردن فروش نفت**

از اکتبر به این سو، آمریکا بارها کشتی‌ها و شرکت‌های مرتبط با نفت ایران و روسیه را تحریم کرده و تجارت با چین و هند را به هم ریخته است. ترامپ هم دوباره سیاست «فشار حداکثری» را علیه ایران شروع کرده تا صادرات نفت این کشور را به صفر برساند و جلوی دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای را بگیرد. به گفته شو موبو، تحلیلگر ارشد شرکت کپلر، ایران از وقتی که در سه ماهه آخر سال قبل تحریم شد، برای پیدا کردن کشتی‌های جدید و جبران کمبود ظرفیت حمل و نقل، به مشکل خورده است. چین هم ماه پیش ورود کشتی‌های تحریم شده را به بندر استان شاندونگ ممنوع کرد. این استان محل بیشتر پالایشگاه‌های مستقل است که مشتری اصلی نفت روسیه و ایران هستند و این ممنوعیت، تخلیه نفت این کشورها را سخت‌تر کرده است.

بیش از ۲۵ میلیون بشکه نفت ایران روی آب شناور است شرکت «برامار ACM» که کارگزار کشتی است، می گوید ۵۷ درصد از ۱۲۶ نفتکش خیلی بزرگی که نفت ایران را به چین می‌برند، الان تحریم هستند. از طرفی صادرات ایران زیاد شده و از طرف دیگر، تحویل نفت به چین کم شده، برای همین مقدار نفت ایران که روی آب شناور مانده، از اول امسال ۱۰ تا ۲۰ میلیون بشکه بیشتر شده است.

البته در مورد مقدار دقیق نفت شناور ایران، عدد و رقم‌های مختلفی وجود دارد، چون تحلیلگران از روش‌های متفاوتی برای ردیابی این ناوگان استفاده می‌کنند. داده‌های شرکت کپلر نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ میلیون بشکه نفت ایران روی آب شناور است که بیشترین مقدار در یک سال گذشته است. حدود ۸۰ درصد این نفت‌ها هم در نزدیکی سنگاپور و مالزی هستند.

اما «مالی»، تحلیلگر ارشد شرکت ورتکسا آنالیتیکس می‌گوید که در آخر ژانویه، ۷۳.۱ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی ایران روی آب بوده است. او می‌گوید صادرات ایران در ماه ژانویه برای دومین ماه پیاپی زیاد شده و به ۱.۷۸ میلیون بشکه رسیده، در حالی که در نوامبر به کمترین حد خود در دو سال گذشته یعنی ۱.۴۵ میلیون بشکه رسیده بود.

**تخفیف نفت خام سبک ایران به ۵۰ سنت در هر بشکه رسیده است**

ریچارد برنوز، رئیس بخش ژئوپلیتیک شرکت انرژی اسپکتس می‌گوید: «روش‌های مختلف مثل خاموش کردن یا جعل کردن دستگاه‌های فرستنده و گیرنده کشتی‌ها و انتقال نفت از یک کشتی به کشتی دیگر، ممکن است باعث شود که حتی نفت بیشتری از ایران روی آب بماند.»

چون کشتی‌های غیرتحریمی کمتری برای رساندن نفت به چین وجود دارد، قیمت نفت خام هم بالا رفته است. تجار می‌گویند تخفیف نفت خام سبک ایران نسبت به نفت برنت دریای شمال به ۵۰ سنت در هر بشکه رسیده که در چند سال اخیر بی‌سابقه بوده است. این در حالی است که دو ماه پیش، این تخفیف ۲۵۰ دلار در هر بشکه بود (برای تحویل در ماه مارس در استان شاندونگ).

**سه برابر شدن هزینه حمل نفت روسیه به چین**

در مورد روسیه هم، تحریم‌های سخت‌گیرانه‌تری که یک ماه پیش توسط دولت بایدن وضع شد، هزینه را برای پالایشگاه‌های چین و هند بالا برده است. نفت خام ESPO روسیه برای ماه مارس، ۲ تا ۳ دلار بیشتر از نفت برنت دریای شمال به چین فروخته شد که بیشترین قیمت در دو سال گذشته است.

هزینه حمل و نقل هم به خاطر کمبود کشتی، خیلی زیاد شده است. هزینه حمل نفت از شرق دور روسیه به شمال چین، الان حدود ۴.۵ میلیون دلار است که تقریباً سه برابر قبل از تحریم‌های اخیر آمریکاست. البته این هزینه کمی از ۷ میلیون دلار اولیه بعد از اعلام تحریم‌ها، پایین تر آمده است.

طبق داده‌های کپلر، مقدار نفت روسیه که روی آب بود، در ۲۷ ژانویه به ۸۸ میلیون بشکه رسید که بیشترین مقدار در دو ماه گذشته و ۲۴ درصد بیشتر از ۱۰ ژانویه (زمان اعلام تحریم‌ها) بود. «شو» از شرکت «کپلر» می‌گوید که این مقدار از اواخر ژانویه، به خاطر کاهش صادرات نفت روسیه، کمی پایین آمده و بعضی از محموله‌ها هم تخلیه شده‌اند. او اضافه می‌کند که چند تا کشتی که قبلاً نفت ایران را حمل می‌کردند، حالا دارند نفت روسیه را جایجا می‌کنند. (منبع: رویترز)

## «زندان خون» رمانی تاریخی از نضال صالح



انتشارات نیستان ادب اخیراً و پس از انتشار ترجمه کریم شنی از رمان «خار و میخک» اثر یحیی سنوار، رمان دیگری از جهان عرب را با ترجمه شنی منتشر کرده است.

«زندان خون» نوشته نضال صالح نویسنده فقید سوری است که در سال ۲۰۱۹ از سوی انتشارات دلمون جدید در سوریه منتشر شده است. نضال صالح (۱۹۵۷ - ۲۰۲۳) نویسنده و منتقد ادبی مشهور سوری با مدرک دکترای نقد ادبی مدرن است که مدتی ریاست اتحادیه نویسندگان عرب را به عهده داشته است. از نضال صالح تا به حال ۲۳ عنوان کتاب پژوهشی و ادبی منتشر شده است که ۱۰ عنوان از آن رمان و داستان کوتاه است.

نضال نزدیک به یک دهه، سکندار اتحادیه نویسندگان عرب در سوریه بود و با اینکه پس از حوادث سوریه در سال ۲۰۱۱، منتقد نظام حاکم سوریه بود، نتوانست دیده از ویرانی و تخریب برهم نهد و از روی وطن پرستی، در صف مبارزین فرهنگی علیه داعش و سلفی‌گری قرار گرفت و تهمت‌های فراوانی را به جان خرید. در واقع، نضال صالح، یک روشنفکر میهن - پرست بود که مدتها اعتراض دوستان و یاره‌گویی دشمنان را تحمل کرد؛ اما صحنه را خالی نکرد و در داستان‌هایش، نتایج مخرب اختلاف و تفرقه‌افکنی را به زبانی مؤثر بیان کرد و در مقابل، به لطایف‌الکلام، حاکمان را مورد نقد و توصیه قرار می‌داد.

نقد وی به نظام سوریه تا آنجا پیش رفت که وزارت فرهنگ سوریه مجوز انتشار کتاب وی به نام «حبس‌الدم» را در سوریه نداد. در نهایت، برخی از نویسندگان طرفدار بشار اسد، با امضای طوماری، وی را به عدم کفایت در هدایت اتحادیه نویسندگان سوریه متهم کردند و وی نیز مجبور به استعفا شد.

«حبس‌الدم» نام زندان بزرگ و تاریخی حلب است؛ آبانبار بزرگ رومی (بیزانسی) که بعدها بخشی از آن در دوره عثمانی تبدیل به زندان و پس از اشغال فرانسویان قتلگاه انقلابیون و نماد اشغالگری و بیداد در تاریخ حلب و مشهور به «حبس‌الدم» شد؛ زندانیان در این حفره رها می‌شدند تا از سرما، رطوبت و گرسنگی و تشنگی زجر کش شوند.

نثر رمان نیز مانند دیگر ویژگی‌های آن، ترکیبی است از گونه‌های صمیمی (در روایت تنه اصلی داستان)، محاوره (در ایمیل‌ها)، مسجع (در بریده‌هایی از متون گذشته) خبری (در نقل قول از رسانه‌ها) و ادبی شاعرانه (در قطعات ادبی و اشعار عربی).

بخش‌های جالبی از ایران‌گرایی در شرح سفر خیرالدین اسدی به ایران و ارادت او به حافظ شیرازی و استفاده از اشعار حافظ در ضمن گفت‌وگوهای رمان و اشعار خیرالدین اسدی، خواندنی است.

از بخش‌های جالب این رمان، شرح احوال شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق)، فیلسوف نامدار ایرانی است که در حلب مدفون است. نویسنده یکی از قصائد مشهور شیخ اشراق را در ضمن رمان گنجانده که مترجم به خوبی ترجمه زیبایی از آن را به فارسی برای اولین بار ارائه کرده است؛ همچنین اشعار خیرالدین اسدی نیز در بخش‌های مختلف رمان آمده است.

در بخشی از رمان تحت عنوان «قبرستان صالحین» آمده است: ابوحمود گوشش را تیز کرد. صدایی قبرستان صالحین و خاموشی را از خواب بیدار کرد. گوشش را به صدای مبهم داخل قبرستان گرفت. از اتاقش بیرون رفت. چراغ‌دستی کوچکش همراهش بود، نور کمسوسش را تا آنجا که می‌توانست، به طرف تاریکی شدید آن شب گرفت. ناگهان در خود، ترسی را که بر سرش آوار شد، حس کرد. چیزی نمانده بود که به وسط قبرستان برسد. به منبع صدا نزدیک شد، دید قبری، شکم خالی‌اش را مقابل آسمان باز کرده بود! و گودالی در کنار آن بود؛ به اندازه یک هیکل لاغر. اعدوئانه! و بسم‌الله گفت! چون در طول روز، برای کسی در زمین مجاور آن، قبری نکرده بود. وقتی نور چراغ را به داخل قبر انداخت، تعجب کرد که هیچ اثری از مرده داخل آن نیست! به سمت گودال برگشت. در آن‌هم چیزی نبود. دوباره اعدوئانه! و بسم‌الله گفت! شروع کرد به خواندن فلق و ناس و هر سوره کوچکی که از حفظ بود؛ برای دفاع!

## طرح «رمان دینی» برای نوجوانان کلید خورد



ارزیابی فصل به فصل آثار فناوری فرهنگی جدیدی محسوب می‌شود که می‌تواند به فرایند تولید اثر مطلوب کمک کند و الگویی برای سایر ناشران در تولید آثار باشد.

فرزانه تأکید کرد: امیدواریم با کمک نویسندگان مدلی در کشور طراحی کنیم که به عنوان الگو مطرح شود و میل به تکثیر در کشور اتفاق بیفتد و ما بتوانیم فرزند زمان خویش‌مان را از این طریق معنا کنیم. در راستای مأموریت‌های انتشارات به‌نشر تاکنون اقدامات خوبی صورت گرفته که استمرار این مسیر در سه ساله آینده جدی‌تر دنبال خواهد شد.

وی یادآور شد: حضور شخص آقای خرامان در این طرح و نظام فکری انتشارات به‌نشر و سختگیری‌های موجود در فرایند تولید اثر و ارزیابی آن، موجب می‌شود با خیال راحت، آثاری تولیدی در ویرترین فروشگاه‌های انتشارات به‌نشر در مبادی ورودی حرم مطهر رضوی و سایر مکان‌ها قرار گیرد. انتشارات به‌نشر به لحاظ داشتن مجموعه کامل فروشگاه‌ها و شبکه نویسندگان، تصویرگران، مولفان، ارزیابان و ویراستاران و... جایگاه ویژه‌ای دارد که بایستی از این جایگاه و حسن اعتماد مخاطبان به درستی استفاده کنیم.

### تألیف ۲۱ رمان با محوریت سبک زندگی ایرانی اسلامی ویژه نوجوانان

مصطفی خرامان، دبیر طرح نگارش رمان‌های دینی انتشارات به‌نشر، در این نشست اظهار کرد: در ماه‌های گذشته جلساتی برای انتخاب موضوعات در فروشگاه مرکزی انتشارات به‌نشر در تهران برگزار شد که در آن موضوعات نگارش رمان‌ها کارشناسی و مقرر شد ماحصل آن نگارش ۲۱ رمان دینی در سه دسته کلی موضوعی اهل بیت(ع) و یاران ایشان، سبک زندگی ایرانی اسلامی و موضوعات اخلاقی باشد.

این نویسنده با اشاره به برگزاری جلسات کارشناسی تولید رمان با موضوع سبک زندگی ایرانی اسلامی در تهران تصریح کرد: فرایند تولید رمان در انتشارات به‌نشر برای نوجوانان با سایر ناشران متفاوت است؛ چرا که در این نشست‌ها که به صورت هفتگی با حضور نویسندگان طرح در دفتر فروشگاه مرکزی کتاب انتشارات به‌نشر در تهران برگزار می‌شود، کتاب‌ها به صورت فصل به فصل نوشته و خوانده می‌شود و در جمع اعضا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ از این رو قبل از اتمام اثر، هر فصل داوری و ایرادات آن از لحاظ محتوایی، فنی و ادبی بررسی و برطرف می‌شود.

وی ادامه داد: تاکنون در موضوعات مسئولیت‌پذیری، کمک به خانواده، همدلی، توجه به ایرادات و نقص‌های سرشتی، خانواده، مهارت‌های حل مسئله، غلبه بر ترس و مهارت کار گروهی، عدالت، راستگویی، دروغ‌گویی، آثاری در دست نگارش هستند.

مهدی سیم‌ریز، مدیر تولید انتشارات به‌نشر نیز در این نشست ضمن قدردانی از حضور نویسندگان در این طرح و تولید آثار و اهتمام انتشارات به‌نشر برای چاپ سریع آثار، ابراز امیدواری کرد که چند اثر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال آینده عرضه شود.

انتشارات نیستان ادب اخیراً و پس از انتشار ترجمه کریم شنی از رمان «خار و میخک» اثر یحیی سنوار، رمان دیگری از جهان عرب را با ترجمه شنی منتشر کرده است.

«زندان خون» نوشته نضال صالح نویسنده فقید سوری است که در سال ۲۰۱۹ از سوی انتشارات دلمون جدید در سوریه منتشر شده است.

نضال صالح (۱۹۵۷ - ۲۰۲۳) نویسنده و منتقد ادبی مشهور سوری با مدرک دکترای نقد ادبی مدرن است که مدتی ریاست اتحادیه نویسندگان عرب را به عهده داشته است. از نضال صالح تا به حال ۲۳ عنوان کتاب پژوهشی و ادبی منتشر شده است که ۱۰ عنوان از آن رمان و داستان کوتاه است.

نضال نزدیک به یک دهه، سکندار اتحادیه نویسندگان عرب در سوریه بود و با اینکه پس از حوادث سوریه در سال ۲۰۱۱، منتقد نظام حاکم سوریه بود، نتوانست دیده از ویرانی و تخریب برهم نهد و از روی وطن پرستی، در صف مبارزین فرهنگی علیه داعش و سلفی‌گری قرار گرفت و تهمت‌های فراوانی را به جان خرید. در واقع، نضال صالح، یک روشنفکر میهن - پرست بود که مدتها اعتراض دوستان و یاره‌گویی دشمنان را تحمل کرد؛ اما صحنه را خالی نکرد و در داستان‌هایش، نتایج مخرب اختلاف و تفرقه‌افکنی را به زبانی مؤثر بیان کرد و در مقابل، به لطایف‌الکلام، حاکمان را مورد نقد و توصیه قرار می‌داد.

نقد وی به نظام سوریه تا آنجا پیش رفت که وزارت فرهنگ سوریه مجوز انتشار کتاب وی به نام «حبس‌الدم» را در سوریه نداد. در نهایت، برخی از نویسندگان طرفدار بشار اسد، با امضای طوماری، وی را به عدم کفایت در هدایت اتحادیه نویسندگان سوریه متهم کردند و وی نیز مجبور به استعفا شد.

«حبس‌الدم» نام زندان بزرگ و تاریخی حلب است؛ آبانبار بزرگ رومی (بیزانسی) که بعدها بخشی از آن در دوره عثمانی تبدیل به زندان و پس از اشغال فرانسویان قتلگاه انقلابیون و نماد اشغالگری و بیداد در تاریخ حلب و مشهور به «حبس‌الدم» شد؛ زندانیان در این حفره رها می‌شدند تا از سرما، رطوبت و گرسنگی و تشنگی زجر کش شوند.



## جشنواره خونه خاله نیست

ایمان عظیمی

گویا حواشی مربوط به بحث داوری جشنواره فیلم فجر تمامی ندارد و افراد باید مدام درمورد آن حرف بزنند تا از قافله جا نمانند. البته این اتفاق کم‌وبیش پس از پایان هر دوره از جشنواره رخ می‌دهد، اما تقریباً کمتر سابقه داشته که «داوران» این رویداد درمورد کار و مسئولیت‌شان نظر بدهند و از خود و آرای‌شان به‌شکلی جانانه دفاع کنند؛ اتفاقی که در دوره چهل‌وسوم رخ داد و «کمال تبریزی» و «رضا درستکار» به‌عنوان دو نمونه مشخص به دفاع از نظراتشان پرداختند. اما داستان اظهارنظر «رضا درستکار» به‌عنوان تنها «منتقد» جمع شش نفره داوران جشنواره در نوع خود بی‌سابقه بود. بی‌سابقه از این حیث که او حتی الفبای کار خویش در قامت «منتقد سینما» را هم بلد نبود و در گفت‌وگو با برنامه‌تصویری «ON» چهره منتقدان اصیل سینمای ایران را خراب کرد.

آقای درستکار گفتند «سینما» بودن آثار بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد؛ بسیار خوب، این نکته را به فال نیک می‌گیریم، اما چطور می‌شود که اشکالات بسیار زیاد را کوردی «۱۹۶۸» و تدوین به‌هم‌ریخته و فیلمنامه پر حرفه «شمال از جنوب غربی» را ندید و آن‌ها را در رشته‌های اصلی جشنواره کاندیدا و حتی صاحب جایزه کرد؟! یعنی این فیلم‌ها - که تماشای آن‌ها صبر زیادی می‌طلبد - در بدترین حالت، هم در شیوه پرداخت و هم در فاز خط داستانی و ارتباط انضمامی‌شان با وضعیت حال حاضر کشور لایق تحویل گرفته شدن بودند و باید بیش از «اسفند»، «شک هور» و مهم‌تر از این دو عنوان: «خدای جنگ» به چشم می‌آمدند؟ پاسخ یک «نه» قاطعانه است.

مگر جشنواره فجر محصول یک نهاد غیرانتفاعی یا غیردولتی مانند «جشن منتقدان» است که حتماً باید فرمان داوری آن به دست افراد غیرمتخصص و صرفاً مخالف‌خوان سپرده شود؟ القصه، این اشخاص علی‌رغم همه ادعاها مبنی بر شناخت خویش از «سینما» چیزی از حرفه خود نمی‌دانند و از «نقد» فقط به‌منظور عقده‌گشایی و ناسزا گفتن به ایده‌هایی که چندان با نگاه‌های ایدئولوژیک آن‌ها سازگار و هم‌سو نیست بهره می‌برند، به‌طوری‌که با درنظر نگرفتن ساحت «نقد» و «منتقد» این دو را به اموری بی‌اهمیت تقلیل می‌دهند و این فکر غلط را به ذهن دیگری منتقل می‌کنند که نوشتن نقد، تنها با حفظ فاصله از حاکمیت به‌راحتی آب خوردن امکان‌پذیر است. باری، «نقد» در سینمای ایران به فعلیت نمی‌رسد، مگر اینکه کلیت سینمای ما بتواند خود را در درون یک چهارچوب تماماً صنعتی بازتعریف کند.

## فیلم نروژی برنده «خرس طلایی» جشنواره برلین شد



جشنواره فیلم برلین با معرفی برندگان خود پس از ۹ روز به کار خود خاتمه داد. این فستیوال که حاصل کار اولین دوره مدیریت تریشیا تاتل بود، خرس طلایی خود را به «رؤیایا» ساخته داگ یوهان هاگروود از نروژ اهدا کرد. این فیلم سومین قسمت از یک سه‌گانه و در مورد یک زن جوان است. «مسیر آبی» گابریل ماسکارو خرس نقره‌ای هیئت داوران را دریافت کرد و «کنتیننتال ۲۵» به کارگردانی رادو ژوده برنده جایزه فیلمنامه شد. جایزه کارگردانی به هوا منگ برای «زندگی در سرزمین» رسید و «برج یخی» ساخته لوشیل حاجی‌هالیوویچ برنده جایزه دستاورد هنری شد.

رز برن بازیگر برای «اگر با داشتم به تو لگد می‌زدم» جایزه خرس نقره‌ای بهترین بازیگر نقش اول را دریافت کرد و «ماه آبی» ریچارد لینکلتر هم جایزه بازیگری نقش مکمل را برای اندرو اسکات به ارمغان آورد.

## ضربه ای که از تنزل عاقله ی حکمرانی در کشور خورده ایم، از آمریکا نخورده ایم

ابوالفضل فاتح

ادراک جهان امروز، بدون درک عمیق از تمدن سایبری، انقلاب هوش مصنوعی و سلطه دیجیتال ممکن نخواهد بود.

اگر امروز اروپا مثل «مرغ نیم بسمل» برای باز یافت نفوذ داخلی و جهانی خود، بال بال می زند و مرکز کنترل راست جهانی از آمریکا، برایش تعیین تکلیف می کند، به انکاء قدرتی است که آمریکا در نظام طبقاتی و توانمندی و شکاف دیجیتالی و مالکیت داده با اروپا و جهان به دست آورده است.

از منظر اقتصادی - سیاسی، جریان «آلت - رایت»، جهان را کارخانه پولسازی و انسان های دیگر را ابزاری بیش نمی داند. آنها اگر به دنبال صلحند از این روست که سرمایه و قدرتی که امروز با صلح به دست می آید با جنگ به دست نخواهد آمد، مگر آن که مجبور باشند با جنگ به تثبیت قدرت و ثروت بپردازند.

راست دیجیتالی جهان را به پنج دسته تقسیم می کند. شعار «آمریکا اول» فقط به معنی اولویت دادن به آمریکا نیست، معنی دیگر آن این است که آمریکا مرکز جهان است.

■ ایران نیز در معرض امواج و نضج و نمو راست جهانی قرار دارد

آنها که روزی به دنبال «مکدونالیزه» و «هالیوودی کردن جهان» بوده اند، اینک با بهره گیری از «هیبرید» دو استراتژی «اقیانوس سرخ» و «اقیانوس آبی» که اولی مبتنی بر رقابت مستقیم و تهاجمی، و دومی مبتنی بر «خلق عرصه های جدید بدون رقابت، با تمرکز بر تمایز و کاهش هزینه ها است»، هر روز چالش و رقابتی جدید برای ایجاد می کنند تا با برقراری معادله ای جدید، دیگران را ذیل یا پشت سر خود قرار دهند.

در این میانه، اصلی ترین عمق استراتژیک ایران، خود ایران است. فوری ترین اولویت، دریافت و فهم پیچیدگی حکمرانی در جهان متحول کنونی است. با عقول متوسط و دانش حداقلی، نمی توان، برای مسائل پیچیده، راه حل دقیق و پایداری فراهم کرد و به رقابت با عقل مجهز به ساز و کارهای پیشرفته جهان پرداخت. در جهان مجهز به هوش مصنوعی،

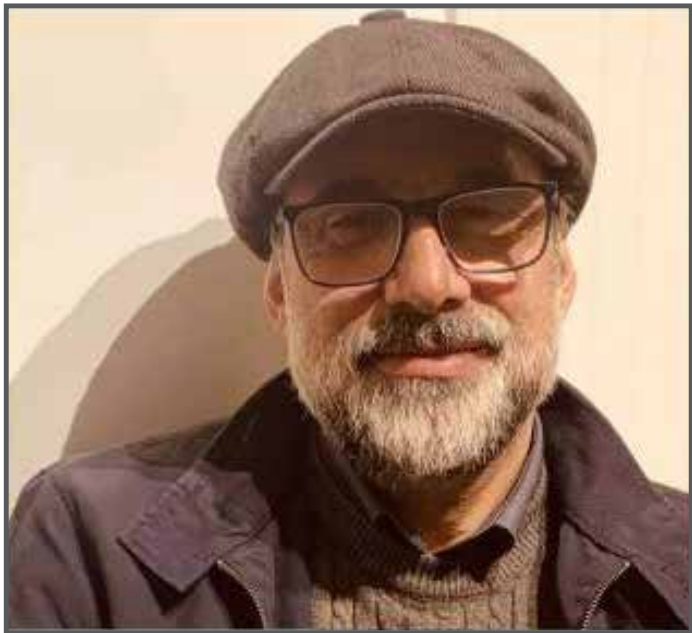
آنچه با پردازنده های پیشرفته در کسر زمان حاصل می شود، بسیار فراتر و چابک تر از عقول معمول است. چنین جهانی، نقش آفرینی وسیع تر خرد جمعی، و لاجرم مدیریت علمی نخبگان و نوابغ آگاه و وفادار به میهن را در همه عرصه ها مطالبه می کند. نوابغی که بتوانند با تسلط و آمیزه های خلاقانه از «هوش برتر انسانی و هوش مصنوعی که خود نمادی از هوش جمعی است»، بهینه ترین هم افزایی را پدید آورند.

سرعت تحولات جهان، بی سابقه و هر غفلت، عقب ماندگی و حسرت های تاریخی به دنبال خواهد داشت. راه حل چنین عرصه ای نه انکار است و نه انفعال. به رغم هژمونی طلبی دیجیتالی قدرت ها، خوشبختانه، با دسترسی ملتها به سطوحی از تکنولوژی جدید، بسیاری از عقب ماندگی ها هم چاره ای سریعتر دارد. البته اگر، شایستگان در هرم مدیریت به پایین رانده نشده و حذف نشوند.

ایده ها و مغزهای برجسته ای در ایران وجود دارد. اگر نگرانیم که دیگران به روی عقول و فحول ایران آغوش گشوده اند، این نتیجه ی تفاوت نظام ارتقاء و گزینش (اعم از انتصابی و انتخابی) در ایران با دیگر کشورها است که در یک سوی جهان دفع و در سوی دیگر جهان همان عقول را جذب می کند.

به سران بسیاری از مراکز و کرسی های حیاتی و تصمیم ساز و تصمیم گیر هر کشور بنگرید؛ چند تن آنها را در ردیف خرد برتر قرار می دهید؟ چند تن آنان از یک کارنامه علمی یا عملی برتر برخوردارند؟ آنان که گزینش می کنند خود در چه ترازوی ایستاده اند؟ این نمایه ای از منزلت و جهت گیری آینده سیستم آن کشور است.

می توان گفت ضربه ای که در چهار دهه ی اخیر از نظام گزینش حذفی (اعم از انتصابی و انتخابی) و تنزل عاقله ی حکمرانی



در کشور خورده ایم، چه بسا در مواردی از آمریکا نخورده ایم و این در حالی است که منطقی در همه حال و از جمله برابر فشار حداکثری، عقلانیت حداکثری امری راهبردی است. باید بین اقتدار یک کشور و اقتدارگرایی که نتیجه اش حذف نخبگان و افول گرایی است، تمایز قائل شد و این مهم در هر دو فضای فیزیکی و دیجیتال مصداق دارد.

به فرموده ی امام علی (ع) هیچ نیرویی مانند عقل، هیچ فقری مانند جهل، هیچ میراثی مانند ادب و هیچ پشتیبانی مانند مشورت نیست. هر سیستم حکومتی، اگر در فقر نخبگی و تصمیم های بی بنیاد قرار گیرد، دچار فقر و بحران و عقب مانده گی خواهد بود. و هر سیستمی، چه دموکراسی غربی و چه چین کمونیستی یا روس تزاری و یا ... و در هر سازمان و از هر قشری به هر میزان نوابغ و نخبگان و عقل حداکثری را مشارکت دهند، به همان میزان گره ها گشوده و قدرت ملی و بین المللی ارتقاء خواهد یافت. حکمت و قدرت هرگز از عقول ضعیف بر نخواهد خاست. حتی شاهان متکبر نیز باید در کنار خود امیر کبیری می داشتند تا دار الفنونی شکل بگیرد. دوران تمدن سایبری که جای خود دارد.

## آفت بزرگی به نام «رنال نبودن سیاست در ایران»



■ وعده های غیر قابل اجرا یا مبهم:

از منظر نظریه واقع گرایی، که بر اهمیت منابع و امکانات در سیاست تأکید دارد، وعده هایی که با ظرفیت های موجود همخوانی ندارند، سیاست را از واقعیت دور می کنند. فقدان شاخص های مشخص برای سنجش این وعده ها، شکاف بین ادعا و عمل را برجسته می سازد.

■ عدم انعکاس مشکلات روزمره در سیاست گذاری ها:

نظریه نهادگرایی تأکید می کند که نهادهای سیاسی باید پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشند. وقتی مسائل ملموس مانند

معیشت یا آموزش در اولویت قرار نمی گیرند، نهادهای کارکرد اصلی خود فاصله می گیرند و سیاست غیر واقعی جلوه می کند.

■ فاصله بین شعارها و عمل:

ماکس وبر در نظریه مشروعیت، صداقت و عمل بهیچا را پایه اعتماد مردم به سیاست می داند. شکاف بین شعارها و نتایج عملی، مشروعیت سیاست را تضعیف کرده و آن را به امری غیر ملموس تبدیل می کند. نظریه واقع گرایی سیاسی، بر اولویت مسائل عملی بر آرمان ها تأکید دارد. اگر سیاست بیش از حد بر مباحث نظری متمرکز شود و از دغدغه های روزمره غافل بماند، از واقعیت های ملموس جامعه دور می افتد.

■ عدم شفافیت در تصمیم گیری ها:

نظریه انتخاب عمومی (Public Choice Theory) بیان می کند که شفافیت، مشارکت مردم در سیاست را افزایش می دهد. نبود اطلاعات روشن درباره تصمیمات، سیاست را از

یکی از آسیب های بزرگ سیاست در ایران، رنال نبودن سیاست در ایران است: غیر واقعی بودن و شعارزده بودن سیاست در ایران، در همین فضا است که حرف های بزرگ در سیاست ایران خریدار بیشتری دارد و البته خیلی زود با فروکش کردن هیجان اولیه و به سنگ خوردن توقعات، موجی از ناامیدی و در بخش هایی از جامعه ایجاد می شود و از سوی دیگر، تندروها در هر دو سوی میدان، با حرف های تند و به ظاهر عامه پسند، برای کشور نسخه می دهند و البته بحران های جدیدی درست می کنند.

در فرهنگ سیاسی ایران، گاهی انتقاد به جای اینکه سازنده و راه حل محور باشد، به تخریب یا سکوت تبدیل می شود. این موضوع مانع از اصلاح تدریجی و بهبود سیاست ها می شود و یک سیکل معیوب می سازد، سیکل معیوبی که هم حکومت و هم مردم از آن ضرر می کنند.

واقعیت این است که سیاست در هر جامعه ای باید بازتاب دهنده واقعیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن باشد. در ایران، با توجه به ساختار سیاسی و شرایط خاص تاریخی و اجتماعی، گاهی نشانه هایی از فاصله بین سیاست و واقعیت های زندگی روزمره مشاهده می شود.

مثلا مصداق و سؤال بسیار ساده اما مهم همین جا مطرح می شود، چرا در سیاست ایران، فیک نیوزها، آمذنیوزها، کانال های بی نام و نشان به راحتی با افکار عمومی بازی می کنند؟ این یکی از نشانه های رنال نبودن سیاست در ایران است، چون نبود دسترسی کافی به اطلاعات شفاف و قابل اعتماد، باعث شده که شایعات و اخبار غیر رسمی در شکل گیری نگرش های سیاسی نقش بزرگی ایفا کنند. این آسیب، تصمیم گیری آگاهانه را دشوار می کند.

با تکیه بر نظریه های مهم علوم سیاسی، از جمله نظریه واقع گرایی (Realism)، نظریه نهادگرایی (Institutionalism) و نظریه مشروعیت وبر (Weber's Legitimacy)، می توان به بررسی مهم ترین نشانه های «رنال نبودن» سیاست در ایران پرداخت:

## «خبر و شر» در اینستاگرام برابرد

حتما برای شما هم پیش آمده که فرستهای (پست) در اینستاگرام دیده باشید که بسیاری مخاطبان به آن واکنش منفی نشان داده باشند یعنی نظر منفی ثبت کرده باشند اما این فرسته کماکان دیده می شود و بازپخش می شود؛ اما چرا این اتفاق می افتد؟ چطور می شود وقتی کسی در صحنه اجتماع کار زشتی انجام دهد و همه اطرافیان او را ملامت کنند (احتمالا) دیگر نه تنها خود فرد این کار را انجام نمی دهد بلکه اگر انجام دهد ممکن است از جامعه طرد شود اما در اینستاگرام واکنش منفی دیگران باعث بیشتر دیده شدن آن عمل و تحریک فرد برای انجام بیشتر آن می شود؟

اگر بخواهیم خیلی کوتاه به این سوال پاسخ بدهیم علتش آن است که در اینستاگرام «خبر و شر» مساوی هستند. خوب و بد چندان معنای متمایزی ندارد. زمین اینستاگرام اصطلاحا «تخت» است، هموار است و پستی و بلندی ندارد. همه کارها در اینستاگرام نسبت به «خوب یا بد» بودن، «درست یا غلط» بودن، «خبر یا شر» بودن بی موضع هستند. هوش مصنوعی اینستاگرام یک نظر مثبت در زیر یک فرسته (پست) با این محتوا: «چه کار قشنگی» و یک نظر با این محتوا: «عجب کار زشتی» را یک چیز تشخیص می دهد و یک ارزش برای شان قائل است و تنها چیزی که برایش اهمیت دارد آن است که مخاطبان یک صفحه به یک فرسته واکنش نشان دهند؛ صرف نظر از آنکه این واکنش مثبت یا منفی است، این فرسته ارزش اینستاگرامی دارد پس می تواند وارد اکسپلور دیگران شود.

## جنگ فناوری و واشنگتن و پکن:

### شرکت های آمریکایی از هردو سوتحت فشار هستند



تحریم های گسترده آمریکا علیه صنعت نیمه رسانای چین، که مدت ها نگرانی شرکت های تولیدکننده تجهیزات نیمه رسانا را به دنبال داشت، تأثیر خود را بر درآمد شرکت های بزرگ تولیدکننده نیمه رسانا نمایان کرده است.

در حالی که رشد هوش مصنوعی طی سال های اخیر باعث افزایش تقاضا برای تراشه ها و رکورد شکنی درآمدی بسیاری از شرکت های آمریکایی شده بود، گزارش های اخیر دو شرکت آمریکایی اپلاید متریالز (Applied Materials) و لم ریسرچ (Lam Research) نشان می دهد که فشارهای دولت آمریکا بر صنعت تراشه چین، تأثیر خود را بر کسب و کار این شرکت ها گذاشته است.

مقاله ای از مجله فورچن با اشاره به آمار درآمدی و پیش بینی شرکت ها نشان می دهد که محدودیت ها و تحریم های ایالات متحده چطور باعث کاهش درآمد شرکت های بزرگ تولیدکننده تجهیزات نیمه رسانا و دیگر بخش های این صنعت شده است.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا | سارا کولیوند  
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی  
تلفن | ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۵۸ - ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۵۸ | آگهی ها | ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۵۸  
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵  
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



با سخنان بیهوده و سرگرم کننده  
دیگران را از راه خدا گمراه نکن  
و دین را به تمسخر نگیر...  
(سوره لقمان، آیه ۶)



## طرح «رمان دینی» برای نوجوانان کلید خورد

تاکون در موضوعات مسئولیت پذیری، کمک به خانواده، همدمی، توجه به ایرادات و نقص های سرشتی، خانواده، مهارت های حل مسئله، غلبه بر ترس و مهارت کار گروهی، عدالت، راستگویی، دروغ گوئی، آثاری در دست نگارش هستند.

1

## از زندان خون «رمانی تاریخی» از نضال صالح

این داستان وارها، در بستر حوادث تاریخ گذشته و حال سوریه و حلب روایت می شود و در جای جای آن، آرای این نویسنده روشنفکر درباره حکومت، فرهنگ، تاریخ، وطن، مردم و طبقه روشنفکران و نویسندگان تعبیه شده است.

1

## از استقلال‌ها اصرار، از پرسپولیس‌ها انکار جنگ بر سر تاریخ دربی!



فرقش این است که هر سه بازی استقلال در تهران است، ولی ما به شهرستان‌ها می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. خوشبختانه بازی‌های آنها در تهران است و از نظر فشار هوا و آمادگی بیشتر می‌توانند استراحت داشته باشند. ما نامه زدیم که باید با پرواز دو ساعته به خوزستان برویم و فردای آن روز باید به تهران می‌آمدیم و به عربستان می‌رفتیم. در حالی که چهار روز بیشتر فرصت نداشتیم. ما گفتیم این بازی را بردارند، اما گفتند راهی ندارد. بعد نامه زدیم که بازی با سپاهان را در جام حذفی بردارند، چون بعد از آن با النصر بازی داریم. اگر بازی زمان دیگری بود و پرسپولیس با استراحت و قدرت بیشتری به مصاف النصر می‌رفت حتما نتیجه می‌گرفت. بنابراین ما هم مثل استقلال هستیم، وقتی یک چیز بر ما حرام است، نمی‌شود برای یک تیم دیگر مباح باشد.»

اسناد مختلف ثابت کنند پیش از این بارها دیدارهای پرسپولیس به دلیل حضور در لیگ قهرمانان لغو شده است. لغو دیدار با نساجی و ذوب آهن به دلیل حضور پرسپولیس در فینال ۲۰۲۰ لیگ قهرمانان یکی از این موارد است. استقلال‌ها مدعی هستند تیم رقیب، آن زمان ۱۹ روز قبل از بازی اولسان هیوندای فقط یک بازی انجام داده بود.

به رغم مخالفت صریح سازمان لیگ با درخواست استقلال، اظهار نظر رئیس فدراسیون شائبه‌برانگیز شده است. مهدی تاج در حاشیه برگزاری انتخابات هیئت فوتبال استان تهران به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «بحث، سازمان لیگ است. باید تلاش کنیم و نظر آنها را جویا شویم. سازمان لیگ تشکیلات مستقلی دارد که برنامه باشگاهی را رصد می‌کند. توصیه‌های لازم را خواهیم کرد که بررسی کنند و اگر راهی داشت کمک کنند. همه این مسائل زیر نظر سازمان لیگ هستند.»

همانطور که انتظار می‌رفت رضا درویش نیز با درخواست استقلال مخالف است. مدیرعامل باشگاه پرسپولیس هم که در انتخابات هیئت تهران حضور داشت از تصمیمات تبعیض آمیز گلایه کرد: «اتفاقا با استقلال اختلاف نظر نداریم و هم عقیده هستیم. تیم استقلال اظهاراتش و نامه‌اش درست است و بازی بسیار مهمی دارند، اما ما هم عین همین نامه را نوشتیم. البته

سطح فوتبال ایران آنقدر پایین آمده که مدیران دو تیم پرطرفدارش بر سر تغییر زمان دیدار رودرو به جان هم افتاده‌اند و از هر فرصتی برای مصاحبه علیه یکدیگر و به کرسی نشاندن حرف خود استفاده می‌کنند.

دربی ۱۰۵ طبق برنامه باید ۹ اسفندماه برگزار شود. منتها پیروزی استقلال بر الریان و صعود این تیم به مرحله حذفی لیگ نخبگان شرایط را به هم ریخته است. البته اگر پرسپولیس هم جای استقلال صعود می‌کرد قطعاً همین وضعیت بود. حالا آبی‌ها معتقدند دیدارشان با النصر عربستان بسیار مهم و حیثیتی است و باید به دید ملی به آن نگاه شود! باشگاه استقلال خواهان تعویق زمان برگزاری دربی ۹ اسفندماه شده و این وسط پرسپولیس مخالف این مسئله است. البته سازمان لیگ نیز مخالفتش را با این درخواست اعلام کرده است.

۳۰ بهمن ماه تیم سهراب بختیاری‌زاده، الریان را مغلوب کرد و استقلال‌ها به جای پرسپولیس‌ها جشن صعود گرفتند. در این میان استقلال دیروز به مصاف نساجی رفت و بازی بعدی این تیم هم با پرسپولیس است. منتها تنها نماینده ایران در لیگ نخبگان مدعی است برای رویارویی با النصر نیازمند زمان استراحت و ریکاوری بیشتری است و سازمان لیگ باید دربی را به تعویق بیندازد. با این وجود قرمزها با درخواست تیم رقیب به شدت مخالف هستند. باشگاه پرسپولیس تأکید کرده، چون این تیم چهار روز قبل از جدال با الهلال دیدارش را با فولاد در لیگ برتر برگزار کرده، سازمان لیگ نباید بین تیم‌ها تبعیض قائل شود. حالا آبی‌ها با تمام قوا تلاش می‌کنند با رو کردن

شیوانوروزی

## بازگشت تیم ملی فوتسال بانوان با جام قهرمانی کافا



تیم ملی فوتسال بانوان ایران با جام قهرمانی مسابقات فوتسال کافا به کشور بازگشت.

تیم ملی فوتسال بانوان کشورمان روز گذشته و در روز پایانی مسابقات فوتسال زنان کافا توانست با نتیجه ده بر یک تاجیکستان میزبان مسابقات را شکست دهد و با چهار برد قهرمان مسابقات شود. مارال ترکمان در این بازی بهترین بازیکن میدان شد تا در سه بازی از چهار بازی عنوان بهترین بازیکن زمین را کسب کرده باشد.

## آبروی فوتبال ایران در گرو احقاق حق آقایان!

دنیاچیدری

اهمیت چندانی نداشته باشد، اما برای اهالی فوتبال و دوستداران آن از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه فساد موجود در فوتبال ایران را در تمام دنیا به نمایش می‌گذارد. فساد که سال‌هاست شاهد آن هستیم و خواهان برچیده شدن بساط آن، اما با وجود این مطالبه‌گری دلیل نمی‌شود که در آشکار شدن آن برای جهانیان بی‌تفاوت باشیم. اما بی‌تردید مسیری که امروز کفاشیان و عزیزی‌خادم در پیش گرفته‌اند اگر نتیجه‌ای برای آنها داشته باشد، معنایی ندارد جز زدن مهر تأیید فساد فوتبال ایران در فیفا! به همین دلیل هم هست که انتظار می‌رفت وزیر ورزش با ورود به این مورد خاص، مانع از کشیده شدن کار به فیفا وای‌اف‌سی شود. هرچند که شکایت بردن به این دو نهاد حق کاندیداهای رخصت‌شده است، اما پیگیری این حق می‌تواند آبروی فوتبال ایران را خدشه‌دار کند!

دوباره‌شان در فدراسیون نداشته باشند، درست مثل تاج، بهاروند و عابدینی که شاید اگر قرار بود براساس ریز عملکردشان در طول مدتی که در فوتبال ایران حضور داشتند مورد بررسی قرار گیرند، حتی اجازه ثبت‌نام به عنوان کاندیدا را هم دریافت نمی‌کردند! اما انتظار می‌رود اگر قرار است براساس فرمولی مشخص انتخابات برگزار شود، تمام مراحل آن با توجه به همان قوانین طی شود و نفرت براساس سیاست یک بام و دوهوا صلاحیت‌شان رد یا تأیید نشود، چراکه در آن صورت عدالت انتخابات زیر سؤال می‌رود و بحث‌های حاشیه‌ای، چون مهندسی شدن آن پیش کشیده می‌شود. بحث‌هایی که اخیراً در اکثر انتخابات فدراسیون‌های ورزشی شاهد بودیم. البته با این تفاوت که در انتخابات سایر فدراسیون‌ها، افراد شاکه راه نهادهای بین‌المللی را در پیش نگرفتند و مشکل را در همین داخل پیگیری کردند و برخی حتی رای برگزاری مجدد انتخابات را هم گرفتند، اما در فوتبال داستان کمی متفاوت است و آقایان این فرصت را دارند تا خواسته‌های خود را از طریق فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا پیگیری کنند. مسیری که پیمودن آن بی‌تردید حق آنهاست، اما نکته حائز اهمیت این است که اگر فیفا یا کنفدراسیون فوتبال آسیا مهر تأیید بزنند پای شکایت و درخواست آنها، آبروی فوتبال کشور است که خدشه‌دار می‌شود. مسئله‌ای که شاید برای کمیته بدوی یا آنها که در تدارک برگزاری انتخابات هستند،

روزهای اخیر مثل خوره به جان اهالی فوتبال افتاده، یکی درست بودن یا نبود رخصت‌شده این دو کاندیدای ریاست است و دیگری محق بودن یا نبودن آنها برای شکایت بردن به فیفا وای‌اف‌سی.

البته وزیر ورزش نیز در پاسخ به این سؤال، حق را به آقایان داده و صراحتاً گفته که حق با کفاشیان و عزیزی‌خادم است که از فیفا وای‌اف‌سی کارشان را پیگیری کنند. حق با دنیامالی است. بی‌تردید در چنین مواقعی افراد برای رسیدن به جواب و نتیجه قانونی و قانع کننده دست به دامن مراجع بالاتر می‌شوند و فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا هم دقیقاً همان مرجعی هستند که در چنین مواقعی می‌توان سراغ آنها رفت، اما نگرانی‌ها از این بابت است که پیگیری حق و حقوق آقایان کار دست فوتبال ایران بدهد! در واقع مسئله مورد بحث این است که مبادا این قشون کشی آقایان، آبروی فوتبال ایران را خدشه‌دار کند.

مهم‌ترین دلیل نگرانی اهالی فوتبال و دوستداران این رشته طی روزهای اخیر بابت شکایت کردن کفاشیان و عزیزی‌خادم به‌ای‌اف‌سی و فیفا، صرف‌نظر از نام‌ها، دلیل رخصت‌شده این دو کاندیداست. بی‌شک نه کفاشیان کارنامه قابل قبولی دارد برای ریاست دوباره در فدراسیون فوتبال و نه عزیزی‌خادم. هر دو آنقدر اشتباه داشتند که فوتبالی‌ها دل خوشی از آنها و ریاست



رخصت‌شده کفاشیان و عزیزی‌خادم، همچنان محل بحث است، کاندیداهایی که تصمیم کمیته بدوی به مزاجشان خوش نیامد و برای گرفتن حق از دست‌رفته خود، راه‌ای‌اف‌سی و فیفا را در پیش گرفتند. پرواض بود نه کفاشیان کوتاه می‌آید و نه عزیزی‌خادم، خصوصاً که هر دو طعم حضور در رأس فدراسیون فوتبال را چشیده بودند و سودای ریاست دوباره داشتند. همین کافی بود با نخستین مانع، قید بازگشت مجدد به فدراسیون فوتبال را نزنند و سفت و سخت پیگیر کار باشند. اما آنچه طی